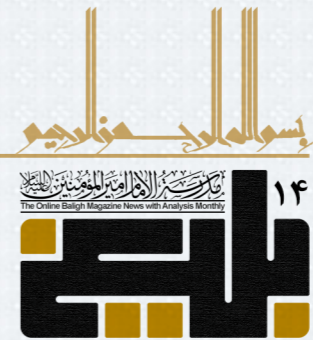


بلیغ

- ♦ ابراز همدردی آیت الله العظمی مکارم شیرازی با حادثه دیدگان یلاسکو
- ♦ متن کامل بیانات معظم له در مورد بازاریابی شبکه‌ای
- ♦ واکاوی ابعاد مظلومیت حضرت زهرا سلام الله علیها از منظر معظم له
- ♦ رهیافت‌هایی بر کتاب «زهرا برترین بانوی جهان»
- ♦ آشنایی با کنگره بین‌المللی «نقش شیعه در پیدایش و گسترش علوم اسلامی»
- ♦ حماسه آتش نشانان در گستره «ایشان وفداکاری» از منظر معظم له
- ♦ مقاله: بازخوانی ماهیت «حکومت اسلامی» از منظر معظم له

پرونده ویژه: پیام‌های راه‌پیمای ۲۲ بهمن از منظر معظم له
پرونده ویژه: روز شمار وقایع انقلاب اسلامی ۵۷ به روایت معظم له

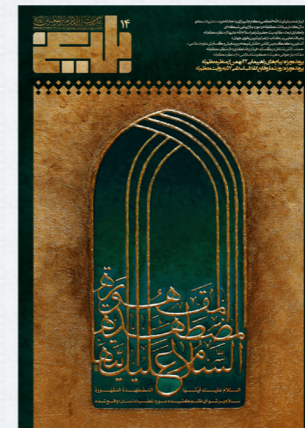




ماهنامه الکترونیکی خبری-تحلیلی بلیغ
سال دوم | شماره چهاردهم | اسفندماه ۱۳۹۵



صاحب امتیاز: پایگاه اطلاع رسانی دفتر
حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (مدینه اعلی)
نشانی: قم، خیابان شهداء، کوی ممتاز
کوچه شماره ۷، پلاک ۳۶
وبگاه: makarem.ir
پست الکترونیک: info@makarem.ir
تلفن: ۰۲۵۳۷۷۴۳۳۱-۳۷۷۴۳۸۱۹
فایلر: ۰۲۵۳۷۸۳۹۹۳۴



- ۲ فهرست
- ۳ طلایع سخن
- ۴ پیام ها و بیانات
- ۵ دیدارها
- ۷ گزیده سخنان
- ۸ درس
- ۱۰ فن آوری اطلاعات
- ۱۲ یادداشت
- ۲۰ پرونده ویژه
- ۲۶ مقاله
- ۲۹ معرفی کتاب
- ۳۲ مؤسسات وابسته
- ۳۴ معارف اسلامی
- ۳۷ سؤالات شرعی
- ۳۸ راهپیمایی ۲۲ بهمن ۱۳۹۵

MAKAREM.IR

طلایع سخن

در عصر و زمانه ای به سر می بریم که وضعیت بغرنج فرهنگی در جوامع بشری به شدت خود نمایی می کند و در این میان تنها مراجعه هدفمند به سیره و سبک زندگی زهرایی است که می تواند چالش ها را مرتفع سازد.

در تبیین این مدعا می توان به عفاف فاطمی اشاره کرد که در واقع مقوم سبک زندگی اسلامی است، بر خلاف جامعه مدرن غربی که ماهیت زنان را تنها در جلوه نمائی و شهوت آن هم به طرق غیر عقلانی و غیر مشروع منحصر ساخته است، و با تبعیت از نظریاتی همچون نظریه برهنگی فروید، آسیب خطرناک و غیر قابل جبران برای همه جوامع حتی جوامع اسلامی رقم زده است، لیکن سیره فاطمی در راستای حفظ و صیانت از عفاف و مقام و منزلت شخصیت زن حرکت نموده است، لذا در برخی گزارش های تاریخی آمده است که حضرت فاطمه (سلام الله علیها) خود را از مرد نابینا هم می پوشاند، و دلیل آن را این گونه بیان کرد که گرچه او مرا نمی بیند، اما من که می توانم او را ببینم و او هم می تواند بوی مرا حس کند. این نقطه اوج عفت و عفاف اسلامی است که رسیدن به آن آسان نیست.

همچنین پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) در پاسخ به سؤالی در مورد بهترین روش برای زن، فرمودند: «برای زنان بهتر است که مردان نامحرم را نبینند و مردان نامحرم نیز ایشان را نبینند؛ «ما من شیء خیر للمراة من ان لا تری رجلاً و لا یراها.»

بهره گیری پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله) از واژه «خیر» گویای این حقیقت است که این سیره، رجحان و مزیت و برتری دارد. به دیگر سخن، حضرت در مقام بیان امری ترجیحی و ایده آلی است. در شرایطی که نیازی به ارتباط زنان با مردان نیست بهتر آن است که زن با هیچ مرد نامحرمی تماس نداشته باشد

و این هرگز به معنای ممنوعیت قانونی نیست؛ بلکه سیره فاطمه زهرا (سلام الله علیها) و زنان مورد تأیید پیامبر (صلی الله علیه وآله)، گویای این واقعیت است که در صورت ضرورت، فعالیت های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی زنان هیچ منعی ندارد.

حال با این اوصاف می توان بسیاری از آسیب های موجود در سطح جامعه از قبیل خیابان گردی برخی بانوان به بهانه مشاهده اجناس در مغازه ها و بسیاری از حضورهای غیر ضروری در فضای مختلط جامعه و در میان مردان نامحرم را مورد نقد و ارزیابی قرار داد که البته در این بین نمی توان از غفلت متولیان فرهنگی درگذشت.

بی شک سبک زندگی فاطمی دارای پیوستگی و پیوند ناگسستنی میان ارزش های دینی است، لذا رفتار و مواضع حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) به گونه ای کامل و بی نظیر است که همه ابعاد مورد نیاز جامعه اسلامی را در خود جای داده است، به عنوان نمونه در توصیف چگونگی ورود حضرت فاطمه (سلام الله علیها) به مسجد برای ایراد خطبه فدکیه آمده است که آن حضرت با پوشش کامل در میان جمعی از زنان در حالی که چادرش بر اثر بلندی به زیر پاهایش می رفت و همچون رسول خدا (صلی الله علیه وآله) راه می رفت، به مسجد آمد.

در این برش تاریخی از سبک زندگی آن حضرت می توان پیوند تجمیع حجاب و عفاف زن و حضور در اجتماع و نیز طرح پیچیده ترین مباحث و مسائل سیاسی را در ملأ عام مشاهده نمود که در راستای احیای خط فکری ولایت و امامت پایه ریزی شده است، این حرکت به گونه ای نیست که خانواده متزلزل شود و زن خود را منحصر به اجتماع سازد و از متن خانه و خانواده دور گردد.

تجمیع همه ارزش ها در سبک زندگی فاطمی از قبیل اعتدال در تأمین

نیازهای طبیعی، پوشاک ساده، رعایت بهداشت، زینت و آرایش آن حضرت تنها برای شوهر و نه برای خود نمایی، همسرداری و تربیت فرزند و خانه داری، خوف از خدا و یاد مرگ، اطاعت از دستور های خداوند رسول خدا، زهد و دنیاگریزی، صبر و استقامت و سکوت و صداقت و عفت و حیا همگی لایه های عمیق زندگانی آن حضرت به شمار می آید که تجمیع این مولفه های ارزشی بیانگر اصول مترقی آموزه های ناب شیعی برای آحاد جامعه به ویژه بانوان جامعه اسلامی است.

ابراز همدردی آیت الله العظمی مکارم شیرازی با حادثه دیدگان پلاسکو

حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی در آغاز درس خارج فقه خود در مسجد اعظم قم، با ابراز تاسف از وقوع حادثه هولناک آتش سوزی و فرو ریختن ساختمان تجاری پلاسکو در تهران، با حادثه دیدگان ابراز همدردی کردند.

ایشان حادثه رخ داده را حادثه ای دردناک توصیف و تصریح کردند: در این رخداد شماری از آتش نشانان عزیز و جان بر کف جان خود را از دست داده اند؛ عده ای نیز مصدوم شده اند و سرمایه های زیادی از بین رفته است.

معظم له اظهار داشتند: به همه عزیزانی که در این راه صدمه دیده اند از جمله مجروحان و بازماندگان شهدا تسلیت می گوئیم و دعا می کنیم خدای متعال مشکلات این عزیزان را حل کند.

حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی نکاتی را نیز خطاب به مسؤولان بیان و تاکید کردند: مسؤولان علاوه بر این که ابراز همدردی می کنند باید به فکر جبران خسارات حادثه دیدگان باشند.

ایشان خواستار اتخاذ تدابیری مناسب از سوی مسؤولان برای پیشگیری از وقوع حوادث احتمالی در ساختمان های مشابه شد و فرمودند: بی احتیاطی به هیچ وجه درست نیست. در این حادثه شنیده شد که کپسول های آتش نشانی مستقر در ساختمان خالی بوده است.

معظم له بر لزوم اصلاح و بازسازی بافت های فرسوده تاکید و تصریح کردند: بافت های فرسوده بایستی بازسازی و مکان هایی که قابل استفاده نیست تخریب شود، این حادثه در نوع خود کم سابقه و یا بی سابقه بود.

حضرت آیت الله العظمی مکارم در پایان به همراه حاضران برای جان باختگان این حادثه، دعا و برای شفای عاجل مصدومان این حادثه سوره حمد قرائت کردند.

۱۳۹۵/۱۱/۰۲



حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی، در روز ۲۲ بهمن ماه به خیل عظیم راهپیمایان در قم پیوست

ایشان در حاشیه این مراسم فرمودند: راهپیمایی ۲۲ بهمن پرشکوهرتر و پرشور تر از همیشه برگزار شده است، چون مردم هوشیار و بیدار هستند.

حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی تصریح کردند: وقتی دشمنان تهدید می کنند، مردم پرخروش تر و منسجم تر در میدان حضور پیدا می کنند.

معظم له با اشاره به تهدیدهای دولت جدید آمریکا علیه ایران اسلامی، افزود: اخیراً آن ها تهدیدها را زیاد کرده اند تا مردم عقب نشینی کنند؛ اما وقتی خروش ملت را می بینند، خواهند فهمید که تهدیدها نتیجه معکوس دارد.

حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی ضمن قدردانی از حضور گسترده مردم در راهپیمایی ۲۲ بهمن، تاکید کردند: خداوند به این ملت باهوش بیدار توفیق بیشتر دهد.

۱۳۹۵/۱۱/۲۲

دیدارها



همایش کتاب سال حوزه



اعضای پایگاه اطلاع رسانی معطم له



حضور معظم له در راهپیمایی ۲۲ بهمن



کنگره نقش شیعه در پیدایش علوم اسلامی



دکتر سید عباس عراقچی



دکتر علی اکبر صالحی



مراسم عزاداری ایام فاطمیه اول



طلاب و دانشجویان از آرژانتین



- ۱۳۹۵/۱۱/۰۲ مسئولان باید به فکر جبران خسارت حادثه‌دیدگان ساختمان پلاسکو باشند.
- ۱۳۹۵/۱۱/۰۴ اگر مسلمانان اختلافات را کنار بگذارند بدون شک دین آینده در جهان، اسلام است.
- ۱۳۹۵/۱۱/۰۵ شرکت‌های هرمی باطل و غیرشرعی است/ گلدکوئیست لباس عوض کرده است/به شورای نگهبان جهت اشکال مصوبه تائید شرکت‌های هرمی نامه نوشته‌ام.
- ۱۳۹۵/۱۱/۰۵ معماری حرم‌های عتبات عالیات باید سنتی و بدون معماری غربی باشد.
- ۱۳۹۵/۱۱/۰۶ وقتی بازار از کالای خارجی مملو است تولیدکننده چه چیزی تولید کند؟/اقتصاد مقاومتی با «شعار و همایش» محقق نمی‌شود.
- ۱۳۹۵/۱۱/۰۶ فرهنگ مستقل حوزوی را در تدوین کتاب‌ها حاکم کنیم/ حوزه‌های علمیه نباید در امر کتابت مصرف‌کننده باشند/ پرهیز از ایجاد اختلاف و دشمنی در نوشتن کتب.
- ۱۳۹۵/۱۱/۰۷ فیلتر مشکل فضای مجازی را حل نمی‌کند/ در مقابل رسانه‌های بیگانه نباید حالت انفعالی داشت.
- ۱۳۹۵/۱۱/۰۷ تبلیغات شدیدی برای انحراف اخلاق و عقاید جوانان می‌شود.
- ۷/۱۱/۱۳۹۵ دنیای امروز از مادی‌گری خسته شده و همین امر موجب اشتیاق مردم به سوی اسلام شده است.
- ۱۳۹۵/۱۱/۱۱ شبکه ملی برای تمام نیازهای مردم تقویت شود/ فضای مجازی عامل بسیاری از مشکلات جامعه اسلامی است.
- ۱۳۹۵/۱۱/۱۳ رفتار آمریکا با اتباع ۷ کشور مسلمان «سخیف» و «خیلی افتضاح» است.
- ۱۳۹۵/۱۱/۱۳ منع ورود مسلمانان به کشور آمریکا «بی‌قانونی محض» است.
- ۱۳۹۵/۱۱/۱۳ رژیم آل‌سعود «زادگاه تروریسم» است.
- ۱۳۹۵/۱۱/۱۴ دادن اجازه فعالیت به شبکه‌های بازاریابی نادرست بود.
- ۱۳۹۵/۱۱/۱۴ اسلام دین محبت است، دین جنگ و خونریزی و تکفیر نیست.
- ۱۳۹۵/۱۱/۱۶ بازار سرمایه باید از اقتصاد مقاومتی حمایت کند.
- ۱۳۹۵/۱۱/۱۸ نباید روی قرارداد با آمریکا حساب کرد/باید بر روی عهدشکنی‌ها و پیمان شکنی‌های مستمر آمریکا مانور داد.
- ۱۳۹۵/۱۱/۲۰ روزه‌روز نسبت به «دموکراسی غربی» بدبین‌تر می‌شویم.
- ۱۳۹۵/۱۱/۲۲ حضور پرشور مردم در راهپیمایی ۲۲ بهمن نقشه دشمنان را نقش بر آب کرد.
- ۱۳۹۵/۱۱/۲۷ سلامت جامعه در گرو قرآنی شدن آن است.
- ۱۳۹۵/۱۱/۲۷ نقاب از چهره آمریکایی‌ها برداشته شد/آمریکایی‌ها در طرفداری از تروریسم پیشتانزد.
- ۱۳۹۵/۱۱/۲۸ دشمنان به دنبال انکار حق شیعیان هستند/فعالیت وهابیت جهت تخریب علوم اسلامی است.

احکام شرکت - جلسه هفتادم

موضوع: شرکت های تعاونی و هرمی؛ گفتیم در شرکت های تعاونی، اعضا، هم کار را به میدان می آورند و هم سرمایه هایشان را و اساس در تعاونی ها بیشتر بر کار است و در ضمن از سرمایه نیز استفاده می کنند.

۹۵/۱۱/۰۲

احکام شرکت - جلسه هفتاد و یکم

موضوع: بازاریابی شبکه ای؛ به مناسبت بحث شرکت به سراغ مبحث شرکت های هرمی و بازاریابی رفتیم که امروزه مشکلات زیادی را برای افراد ایجاد کرده اند.

۹۵/۱۱/۰۳

احکام شرکت - جلسه هفتاد و دوم

موضوع: شبکه های بازاریابی؛ به مناسبت کتاب الشركة به سراغ شرکت های بازاریابی شبکه ای رسیدیم که در عصر ما رایج شده است.

۹۵/۱۱/۰۴

احکام شرکت - جلسه هفتاد و سوم

موضوع: شبکه های بازاریابی و مبحث قسمت؛ بحث در مورد شبکه های بازاریابی تمام و اکنون به جمع بندی نهایی می پردازیم و آن را در قالب هشت نکته بیان می کنیم.

۹۵/۱۱/۰۵

احکام شرکت - جلسه هفتاد و چهارم

موضوع: بحث اخلاقی: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می فرماید: ثَلَاثَةٌ مِنْ كَرَمِ فِيهِ يَسْتَكْمَلُ إِيْمَانَهُ رَجُلٌ لَا يَخَافُ فِي اللَّهِ لَوْمَةَ لَائِمٍ وَلَا يَرَائِي بِشَيْءٍ مِنْ عَمَلِهِ وَإِذَا عَرَضَ عَلَيْهِ أَمْرَانِ أَحَدُهُمَا لِلدُّنْيَا وَالْآخِرِ لِلاَخِرَةِ اخْتَارَ الْآخِرَةَ عَلَى الدُّنْيَا.

۹۵/۱۱/۰۶

احکام شرکت - جلسه هفتاد و پنجم

موضوع: قسمت و تعریف آن؛ بحث در

قسمت است ما مقدمه ای که امام قدس سره در بحث قسمت را بیان می کند به دو فرع تقسیم کرده ایم

۹۵/۱۱/۰۹

احکام شرکت - جلسه هفتاد و ششم

موضوع: احکام قسمت؛ بحث در مسأله ی قسمت به اینجا رسید که قسمت کردن اموال مشترک، امری است مستقل و نه بیع است و نه معاوضه ای دیگر. حتی مانند امور انشائیه نیز نیست بلکه یک عمل خارجی است که انسان دو چیز که با هم مخلوط است را از هم جدا می کند.

۹۵/۱۱/۱۰

احکام شرکت - جلسه هفتاد و هفتم

موضوع: انواع قسمت؛ بحث در مسأله ی تقسیم اموال مشترکه است. بحث در این بود که به چه دلیل تقسیم و قسمت کردن مشروعیت دارد. ادله ی مختلف مشروعیت را از ادله ی اربعه بیان کردیم.

۹۵/۱۱/۱۱

احکام شرکت - جلسه هفتاد و هشتم

موضوع: انواع قسمت؛ درباره ی جواز قسمت اموال مشترک دلیل دیگری نیز وجود دارد و آن قاعده ی لا ضرر می باشد. اگر مال، مشترک باشد و تا آخر نتوان آن را تقسیم کرد، غالب شرکاء به ضرر می افتند زیرا افراد غالباً می خواهند مالشان تفکیک شود تا بتوانند از آن بهره مند گردند.

۹۵/۱۱/۱۲

احکام شرکت - جلسه هفتاد و نهم

موضوع: بحث اخلاقی: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در روایتی می فرماید: خَصَلْتَانِ لَيْسَ فَوْقَهُمَا مِنَ الْبِرِّ شَيْءٌ إِلَّا يَمَانُ بِاللَّهِ وَ النَّفْعُ لِعِبَادِ اللَّهِ وَ خَصَلْتَانِ لَيْسَ فَوْقَهُمَا مِنَ الشَّرِّ شَيْءٌ الشَّرُّ بِاللَّهِ وَ الضَّرُّ لِعِبَادِ اللَّهِ. دو خصلت است که بالاتر از آنها چیزی در نیکی پیدا نمی شود و این دو عبارتند از: ایمان به خداوند و سود رساندن به بندگان خدا.

۹۵/۱۱/۱۳

احکام شرکت - جلسه هشتادم

موضوع: گستره ی قلمرو اقسام سه گانه؛ بحث در مسأله ی دوم از قسمت است. امام قدس سره در این مسأله قلمرو اقسام سه گانه ی قسمت را شرح می دهد.

۹۵/۱۱/۱۶

احکام شرکت - جلسه هشتاد و یکم

موضوع: انواع قسمت و طرز قسمت کردن؛ بحث در مسأله ی دوم از مسائل قسمت است و آن اینکه قلمرو قسمة الافراز، قسمة التعديل و قسمة الرد تا چه حدی است. در جلسه ی گذشته گفتیم که قسمة الرد در هر سه مورد راه دارد. اما قسمة التعديل و قسمة الافراز فقط در مورد خودش جاری می شود.

۹۵/۱۱/۱۷

احکام شرکت - جلسه هشتاد و دوم

موضوع: اجبار و تراضی به قسمت؛ بحث در مسأله ی چهارم از مسائل مربوط به قسمت است و آن اینکه در چه مواردی باید افراد را مجبور به قسمت کرد و در چه موارد قسمت باید با تراضی انجام گیرد.

۹۵/۱۱/۱۸

احکام شرکت - جلسه هشتاد و سوم

موضوع: قسمت عن تراض و قسمت اجبار؛ در جلسه ی گذشته در رابطه با شرکت، مثالی ذکر کردیم و گفتیم که گاه شرکت باید تا آخر وجود داشته باشد و قسمت در مورد آن ممکن نیست.

۹۵/۱۱/۱۹

احکام شرکت - جلسه هشتاد و چهارم

موضوع: بحث اخلاقی: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می فرماید: رِيحُ الْجَنَّةِ يَجُودُ مِنْ مَسِيرَةِ خَمْسَمِائَةِ عَامٍ وَ لَا يَجِدُهَا مِنْ طَلَبِ الدُّنْيَا بِعَمَلِ الْآخِرَةِ. بوی بهشت از پانصد سال راه به مشام می رسد و کسی که دنیا را با عمل آخرتی طلب کند بوی آن را نمی شنود. تعبیر به اینکه بوی بهشت از راه طولانی می آید و اشخاصی بوی آن را درک نمی کنند این است که این دسته

نه تنها وارد بهشت نمی شوند بلکه حتی نزدیک آن هم نمی شوند و فاصله ی بسیار زیادی با بهشت خواهند داشت.

۹۵/۱۱/۲۰

احکام شرکت - جلسه هشتاد و پنجم

موضوع: قسمت خانه ی دو طبقه؛ در بحث احکام قسمت به مسأله ی پنجم رسیده ایم. حاصل مسأله این است که دو نفر با هم در یک عمارت شریک می باشند و می خواهیم آن را در میان آنها عادلانه تقسیم کنیم.

۹۵/۱۱/۲۶

احکام شرکت - جلسه هشتاد و ششم

موضوع: بحث اخلاقی: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در روایتی می فرماید: بَادِرُوا بِالْأَعْمَالِ فِتْنًا كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمَظْلَمِ: يَصْبِحُ الرَّجُلُ مُؤْمِنًا وَ يَمْسِي كَافِرًا، وَ يَمْسِي مُؤْمِنًا وَ يَصْبِحُ كَافِرًا، يَبِيعُ أَحَدُهُمْ دِينَهَ بَعْضُ مَنْ الدُّنْيَا قَلِيلًا. با انجام اعمال صالحه تلاش و کوشش کنید زیرا فتنه هایی در پیش است که مانند پاره های شب سیاه و ظلمانی است.

۹۵/۱۱/۲۷

احکام شرکت - جلسه هشتاد و هفتم

موضوع: تقسیم خانه ی دو طبقه؛ بحث در مسأله ی پنجم از مسائل مربوط به قسمت است و آن در مورد عمارتی است دو طبقه که در چگونگی تقسیم آن بحث کردیم.

۹۵/۱۱/۳۰



معرفی سایت کنگره کنگره بین المللی «نقش شیعه در پیدایش و گسترش علوم اسلامی»

راهنمای ثبت مقالات در سایت کنگره
<http://www.shia-congress.com/contents/2016>

ارسال مقاله

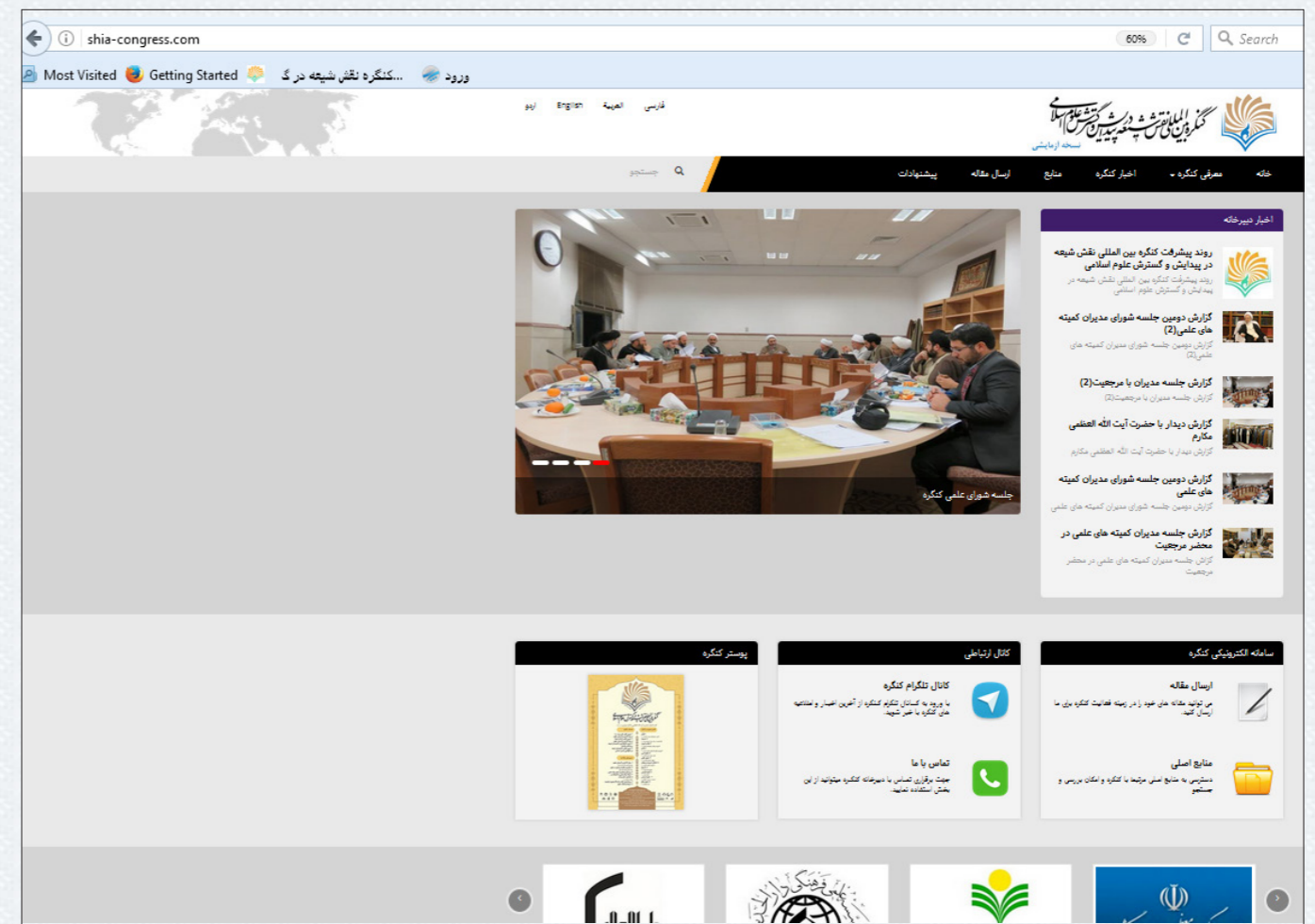
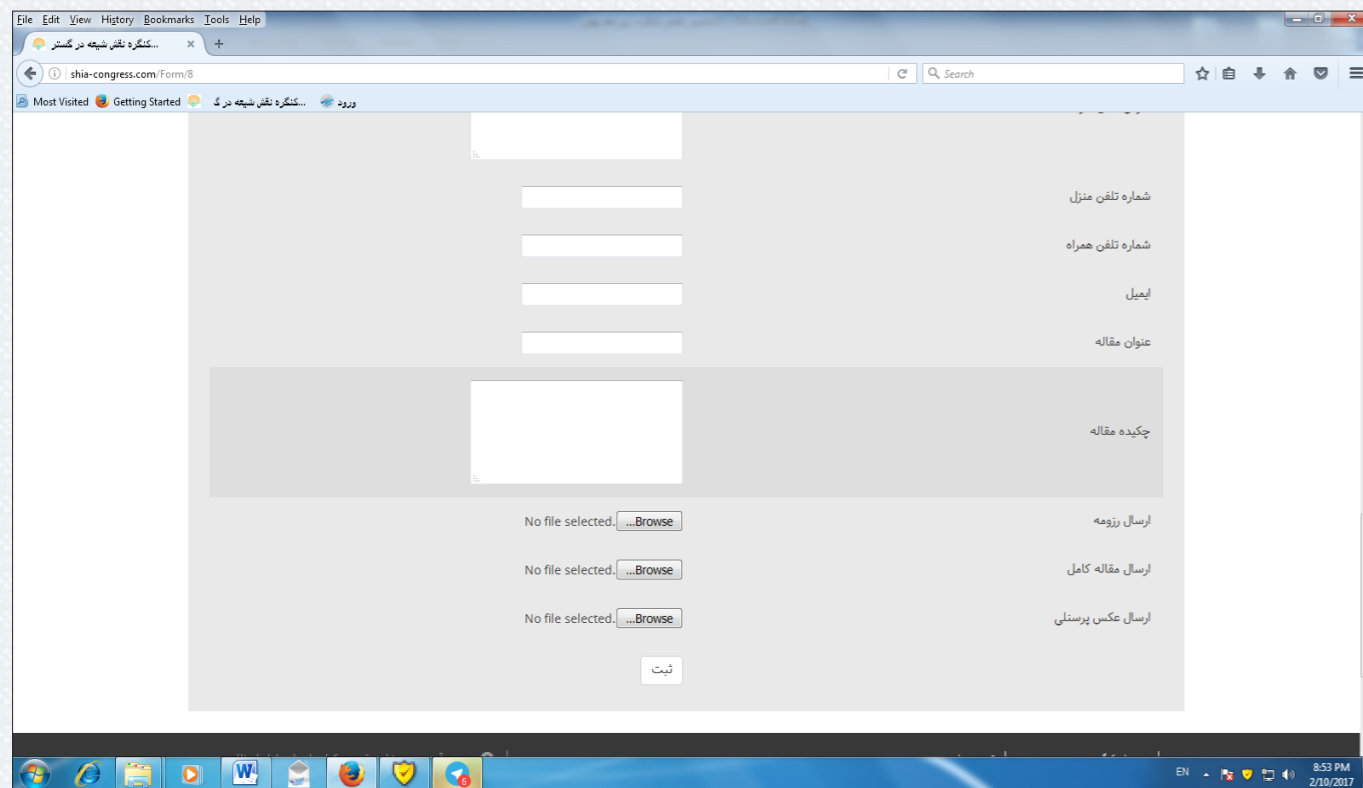
می توانید مقاله های خود را در زمینه فعالیت کنگره برای ما ارسال کنید.

- فرمت های قابل قبول برای ارسال doc, docx, pdf, png, jpg, gif میباشد
- حداکثر حجم مجاز برای ارسال فایل 2 مگابایت می باشد.

نام	<input type="text"/>
نام خانوادگی	<input type="text"/>
ملیت	<input type="text"/>
شماره تلفن همراه	<input type="text"/>
ایمیل	<input type="text"/>
عنوان مقاله	<input type="text"/>
چکیده مقاله	<input type="text"/>

سوم: در قسمت مشخصات اطلاعات خود را وارد کنید.

چهارم: بعد از وارد کردن اطلاعات و پیوست کردن فایل مقاله روی گزینه ثبت کلیک کنید تا مشخصات شما ثبت شده و سیستم یک کد مقاله برای شما اختصاص خواهد داد.



اول: مراجعه به سایت کنگره به آدرس:

www.shia-congress.com

دوم: در نوار ابزار بالا روی قسمت ارسال مقاله کلیک شود.

پنجم: در مراحل بعد و مراجعات بعدی از طریق صفحه شخصی و کد پیگیری داده شده می توانید از وضعیت مقاله خود اطلاع پیدا کنید.

واکاوی ابعاد مظلومیت حضرت زهرا سلام الله علیها از منظر معظم له

با اینکه زندگانی بانوی اسلام، حضرت زهرا، سیده نساء العالمین بسیار کوتاه بود؛ ولی شرح حال او و مصائبش بسیار طولانی است. لذا مصیبت زهرا علیها السلام فوق العاده جانکاه است فاطمه زهرا سلام الله علیها همانگونه که از زیارت نامه آن حضرت پیداست «السلام عليك ايتها المظلومة المغصوبة؛ سلام بر تو ای ستم‌دیده‌ای که حقت غصب شده»، از تمام جهات مظلوم است.

شرح مظلومیت حضرت زهرا سلام الله علیها در آه سوزان علی علیه السلام

امام علیه السلام هنگامی که جسم پاک زهرای مرضیه علیها السلام را با دست خود در قبر می گذارد سخنان پرسوز و گداز را می گوید ، سخنانی که از يك سو دلیل بر عظمت بانوی اسلام فاطمه زهرا علیها السلام و از سوی دیگر نشانه شدت ناراحتی علی علیه السلام از فراق جانگداز اوست.

امام علیه السلام ، بهترین و مناسب ترین مخاطب؛ یعنی رسول خدا صلی الله علیه وآله را انتخاب کرده و با او درد دل می کند، با اینکه محتوای سخنان امام علیه السلام، شکواییه دردناکی است؛ ولی ادب کلام ایجاب می کند که از سلام و درود بر پیامبر صلی الله علیه واله شروع کند.

که در این میان جمله (السریعة للحاق بك؛ و به سرعت به تو ملحق شده است) اشاره پرمعنایی به مصائب شدید حضرت فاطمه زهرا علیها السلام دارد که او را در بهترین سال های جوانی به دیار باقی منتقل ساخت.

سپس امام علیه السلام در ادامه، خطاب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عرض

می کند: «ای رسول خدا! از فراق دختر برگزیده و پاکت، پیمانه صبرم لبریز شده و طاقتم از دست رفته است، هرچند پس از روبه رو شدن با غم بزرگ فراق و مصیبت دردناک تو، این مصیبت برای من قابل تحمل شده است».

آنگاه امام بار دیگر به شرح مصیبت حضرت زهرا سلام الله علیها باز می گردد و خطاب به پیامبر عرضه می دارد: « (ای رسول خدا) امانتی را که به من سپرده بودی هم اکنون باز پس داده شد و گروگانی که نزد من بود گرفته شد؛ ولی اندوهم جاودانی است و شبهایم همراه بیداری و بی قراری؛ تا آن زمان که خداوند منزلگاهی را که تو در آن اقامت گزیده ای برایم برگزیند (و به تو ملحق شوم)»؛ (فلقد استرجعت الودیعة...).

این عبارت که از شدت اندوه علی علیه السلام در برابر حادثه غم‌انگیز شهادت حضرت زهرا علیها السلام حکایت می‌کند به خوبی نشان می‌دهد که تا چه حد این بانوی عزیز در نظر علی علیه السلام گرمی بود و پیوند عاطفی و روحانی و معنوی آن‌دو به یکدیگر عمیق و ریشه‌دار.

حضرت زهرا بزرگترین نعمتی بود که خدا به علی علیه السلام داده بود، جمله «حزنی فسرمد» تفسیرش روشن است، زیرا هر زمان علی علیه السلام به یاد فاطمه زهرا سلام الله علیها می افتاد غم و اندوهش تجدید می شد و این اندوه بزرگی بود که سراسر زندگی علی علیه السلام را دربرگرفته بود.

جمله «و أما لیلی فمسهد» کنایه از این است که بسیار شب ها به یاد آن بانوی عزیز می افتم و خاطره او خواب را از چشم من می رباید. گواه این سخن اشعار معروفی است که از آن حضرت در فراق حضرت زهرا علیها السلام انشاء فرمود:

نفسی علی زفراتها محبوسة
یا لیتها خرجت مع الزفرات
لا خیر بعدک فی الحیاة و إنما
أبکی مخافة أن تطول حیاتی

جانم گرفتار مصیبت دردناک اوست و ای کاش با آه و ناله از این تن بیرون می آمد، بعد از تو زندگی در نظرم بی ارزش است و اگر اشک می ریزم برای این است که می ترسم بعد از تو عمرم طولانی شود (و همواره گرفتار درد فراق تو باشم).

هتک حرمت به حضرت زهرا سلام الله علیها؛ آتش زدن درب خانه حضرت زهرا سلام الله علیها...

امام علی علیه السلام در کنار قبر شریف پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلّم ، به گوشه ای از مصائب دردناک حضرت زهرا علیها السلام اشاره کرده، عرضه می دارد: « (ای رسول خدا) به زودی دخترت تو را آگاه خواهد ساخت که امت تو در ستم کردن به وی دست به دست هم داده بودند، سرگذشت دردناک او را بی پرده از او بی‌رس و خبر این حوادث را از وی بگیر. این حوادث دردناک در زمانی رخ داد که هنوز مدت زیادی از رحلت تو نگذشته و یادت فراموش نگشته بود»؛ (و ستنبئک ابنتک بتضافر أمتک علی هضمها، فأحفه السؤال، و استخبرها الحال؛ هذا و لم یطل العهد، و لم یخل منک الذکر).

ظاهر این است که این عبارات سرپیسته که امیر مؤمنان علی علیه السلام برای رعایت ادب در پیشگاه پیامبر آن را زیاد نمی شکافد و شرح نمی دهد اشاره به حوادث بسیار اسف انگیزی است که پس از مدت کوتاهی از رحلت پیامبر صلی الله علیه وآله وسلّم رخ داد؛ هجوم به خانه زهرا علیها السلام، آتش زدن در خانه، اسقاط جنین آن حضرت و بردن امام را به زور به سوی مسجد برای بیعت، حوادثی است که نه تنها به صورت پرننگ در تاریخ شیعه آمده؛ بلکه در منابع اهل سنت هم، با کمال تعجب صریحاً ذکر شده است.

سرانجام امام در آخرین سخن خود خطاب به پیامبر صلی الله علیه وآله وسلّم و بانوی اسلام، زهرای مرضیه چنین می گوید: «درود خدا بر شما هر دو باد، درود و سلام وداع کننده؛ نه وداع ناخشنود خسته دل،

اگر از کنار قبرت بازگردم به خاطر سبب ملالت نیست، و اگر اقامت گزینم (و گریه و زاری) سر دهم هرگز به جهت سوءظن به وعده نیک خداوند در مورد صابران و شکیبایان نمی باشد»؛ آه آه! ولی شکیبایی می کنم که شکیبایی بهتر و زیباتر است و اگر بیم آن نبود که نظام حاکم از جایگاه قبر تو آگاه شوند پیوسته در کنار قبر تو می ماندم و ناله هایی همچون ناله های مادری که به داغ فرزندش گرفتار شده، برای این مصیبت بزرگ سر می دادم. (ای رسول گرمی) خدا می بیند که دخترت پنهان به خاک سپرده می شود و حقش (آشکارا) بر باد می رود و او را از ارثش محروم می کنند حال آنکه زمان زیادی نگذشته و نامت فراموش نشده است. ای رسول خدا این شکایت را به درگاه حق و مرا بپذیر! درود و سلام و رضوان خدا بر تو و بر دخترت زهرا باد».

برگی از مظلومیت حضرت زهرا علیها السلام؛ مدفن پاک فاطمه زهرا علیها السلام کجاست؟

یکی از مصائب و مظلومیت های دختر والا مقام پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلّم این است که جایگاه قبر شریفش هنوز نامعلوم است؛ بعضی آن را مطابق پاره ای از روایات در بقیع و برخی در داخل خانه اش در کنار مسجد پیامبر صلی الله علیه وآله وسلّم و بعضی در روضه (آن مقدار از مسجد که میان قبر پیامبر و منبر آن حضرت قرار دارد) می دانند.

این مطلب هر محققى را در فکر فرو می برد که چه طوفانی پس از رسول الله صلی الله علیه و اله در میان امت برخاست که مرقد پاک تنها دخترش، در هاله ای از ابهام فرو رفت؟

هرچند بیشترین قرائن دلالت بر دفن آن حضرت در خانه اش دارد، زیرا دفن در روضه در آن زمان کار آسانی نبود و بسیار بعید است علی علیه السلام رضایت به چنین کاری داده باشد و دفن در بقیع

با کلام امام علیه السلام، که رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلّم را انتخاب کرده و با او درد دل می کند و سخن خود را از اینجا شروع می کند: «سلام و درود بر تو ای رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلّم از سوی خودم، و از سوی دخترت (زهرا) که هم اکنون در جوار تو فرود آمده، و به سرعت به تو ملحق شده است؛ السلام عليك یا رسول الله عني، و عن ابنتک النازلة فی جوارک، والسریعة اللحاق بك». چندان سازگار نیست، بلکه جمله (النازلة فی جوارک) نشان می دهد که قبر بانوی اسلام در کنار قبر پیامبر صلی الله علیه وآله وسلّم بود و نظریه کسانی که قبر مقدس آن حضرت را در خانه اش می‌دانند، تقویت می کند.

البته ممکن است دفن در بقیع را نیز در جوار پیامبر صلی الله علیه وآله وسلّم محسوب کنیم یا جوار را به معنای همسایگی روحانی و معنوی در بهشت بدانیم؛ ولی معنای اول با ظاهر عبارت سازگارتر است و روایات متعددی نیز آن را تأیید می کند.

مرحوم علامه مجلسی از ابراهیم بن محمد همدانی نقل می کند که می گوید: برای امام هادی (علی بن محمد النقی علیهما السلام) نامه ای نوشتم که مرا از قبر فاطمه علیها السلام باخبر ساز! حضرت در جواب چنین مرقوم داشت: «هی مع جدي صلوات الله علیه و آله؛ او با جدم پیغمبر صلی الله علیه و اله است».

مرحوم صدوق نیز می گوید: صحیح در نزد من این است که آن حضرت در خانه اش دفن شده است که پس از توسعه بنی امیه، الان جزء مسجد قرار گرفته است.

در کتاب عیون الاخبار الرضا از بنزنی نقل شده است که می گوید: «سألت الرضا عن قبر فاطمة؛ من از امام علی بن موسی الرضا علیه السلام از محل قبر فاطمه علیها السلام سؤال کردم، فرمود: دفنت فی بیتها فلما زادت بنو امیة فی المسجد صارت فی المسجد؛ آن حضرت را در خانه اش دفن

کردند و هنگامی که بنی امیه مسجد پیامبر صلی الله علیه وآله وسلّم را توسعه دادند خانه آن حضرت در مسجد قرار گرفت».

در وضع فعلی گرچه قبر پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلّم و قبور دیگری در داخل مسجد قرار گرفته؛ ولی آن را به وسیله دیوارها و شباك از مسجد جدا کرده اند.

تاریخ شهادت حضرت زهرا سلام الله علیها چه زمانی است؟

از جمله مظلومیت های آن حضرت این است که نه تنها در مکان دفن آن یادگار پیامبرصلی الله علیه وآله وسلّم گفتگوست، بلکه در تاریخ وفات آن حضرت نیز اختلاف است.

طبق روایت معروف از امام صادق علیه السلام، آن حضرت در سال یازدهم هجری با گذشت ۷۵ روز از رحلت پدر بزرگوارش دیده از جهان فروبست: (إن فاطمة علیها السلام مكثت بعد رسول الله صلی الله علیه و اله خمسة و سبعین یوما). با توجه به اینکه رحلت پیامبر اکرم در ۲۸ صفر واقع شده باید شهادت آن بانوی عزیز در یکی از سه روزسیزدهم، چهاردهم و پانزدهم ماه جمادی الاولی واقع شده باشد (با در نظر گرفتن احتمال تمام یا ناقص بودن ماههای وسط).

در حدیث دیگری آمده است که آن بانوی گرامی در روز سه‌شنبه سوم جمادی الآخر سنه یازدهم هجرت چشم از جهان بریست و این حدیث مطابق عقیده کسانی است که می‌گویند فاصله میان رحلت پیامبر و شهادت حضرت زهرا علیها السلام ۹۵ روز بود.

مرحوم علامه مجلسی در زاد المعاد از

حماسه آتش نشانان در گستره «ایثار و فداکاری» از منظر معظم له

چیستی مفهوم ایثار/ حقیقت مفهوم ایثار و فداکاری / پیوند پشتوانه عقلی و وجدانی؛ زمینه ساز تحقق ایثار و فداکاری / ضرورت گسترش فرهنگ ایثار و فداکاری در جامعه اسلامی / نشانه شناسی ایثار و فداکاری آتش نشانان قهرمان / آیا فداکاری و از خود گذشتگی امکان پذیر است؟ / کلام نورانی امام هادی(علیه السلام) خطاب به مصیبت دیدگان.

در وهله نخست، جریان بسیار دردناک آتش سوزی در تهران و شهادت جمعی از آتش نشانان عزیز و جان بر کف که جانشان را از دست دادند و به همه آن عزیزانی که در این راه صدمه دیدند؛ مجروحین و بازماندگان شهیدان، تسلیت می گویم.

با این تفاسیر باید به فرهنگ ایثار و جانفشانی اشاره کرد و گفت ایثار و فداکاری از جمله مسائل اخلاقی است که در ارتباط با مردم تعریف می شود، زیرا در تاریخ ملت ها روزهایی پیش می آید که بدون ایثار و فداکاری و دادن قربانیان بسیار خطرات بر طرف نمی شود، لذا برخی افراد در مقاطعی خاص که نیازمند به فداکاری است، ایثار و فداکاری از خود نشان داده اند که در این میان اولیاء الله قویترین چهره های اخلاق به شمار می روند که ایثار و فداکاری را در حد اعلی دارا بوده اند.

بدون شك ایثار و فداکاری يك كار انسانی و پر ارج محسوب می شود و نشان می دهد که فاعل آن دارای عالی ترین عواطف مردمی و انسانی است که شعاعش چنان وجود او را روشن ساخته که از منافع خویش می گذرد و تن به محرومیت می

دهد تا انسان های دیگر راحت باشند.

وجود این فضیلت اخلاقی نشان دهنده ایمانی است که فراتر از مسائل مادی است و با چیزی نمی توان آن را مبادله کرد، همه جا با انسان است و لحظه ای از او جدا نمی شود، و همه چیز در برابر آن کوچک و کم رنگ است.

چیستی مفهوم ایثار

«ایثار» عبارت از این است که انسان دوست دارد دیگران در نعمت باشند، هرچند خودش در محرومیت به سر ببرد و حتی حاضر است آنچه را دارد در اختیار دیگران بگذارد و از منافع خود چشم ببوشد. این حالت والا را «ایثار» می گویند که یکی از مهم ترین صفات برجسته انسانی است، لذا «ایثار» به معنای برتری بخشیدن کسی است، خواه بر خویشتن باشد یا بر دیگری.

حقیقت مفهوم ایثار و فداکاری

«ایثار» صفت بسیار ممتازی است که جز اولیاء الله و مؤمنان خالص و مخلص از عهده آن بر نمی آیند، زیرا ایثارگر دیگران را بر خود ترجیح می دهد. پیامبر اکرم و صحابه خاص آن حضرت و همچنین اهل بیت علیهم السلام نمونه های کاملی هستند که خداوند در قرآن آنان را به این صفت ممتاز ستوده است.

آری ایثار آن است که دیگران را با بزرگواری بر خود مقدم بشماریم؛ اینگونه است که جایگاه ایثار و فداکاری به مراتب بالاتر از انفاق است به نحوی که همگان سعادت آن را ندارند، و از صفات ویژه مؤمنان واقعی است.

لذا روح انسانی به آنجا می رسد که ایثار و گذشت را سرلوحه زندگی قرار داده، وافرادی برای حمایت از محرومان آن را ندارند، و از صفات ویژه مؤمنان واقعی است.

بی تردید اگر ما طرفدار يك مكتب معنوی باشیم که ایثار و فداکاری و گذشت را

وسیله ترقی و تکامل معنوی انسان بدانیم در آن موقع انسان برای دیگران کار کند و حتی در مواقع بحرانی برای نجات جان دیگر هم نوعان و حیات و زندگی آنها می میرد.

پیوند پشتوانه عقلی و وجدانی؛ زمینه ساز تحقق ایثار و فداکاری

فلاسفه ای که معتقد به حاکمیت عقل بر همه چیز و لزوم پیروی از آن در همه چیز هستند، پشتوانه مسائل اخلاقی را درك عقل از خوب و بد اشیاء می دانند؛ مثلا، می گویند عقل به خوبی درك می کند که ایثار و شجاعت فضیلت است، و بزدلی و جبن رذیلت.

برخی دیگر، پشتوانه را ادراك وجدان می دانند، می گویند وجدان همان عقل عملی است که مهمترین سرمایه انسان می باشد؛ بنابراین، همین که وجدان ما می گوید ایثار، فداکاری، سخاوت و شجاعت خوب است، همین کافی است که ما را برای رسیدن به این نیکیها بسیج کند، و همین که می گوید: بخل، خودخواهی، و خودپرستی بد است، کافی است ما را از آن باز دارد.

به این ترتیب، پشتوانه عقلی و وجدانی به هم می رسند، و دو تعبیر مختلف از يك واقعیت محسوب می شوند. بی شك وجود این پشتوانه، يك واقعیت است و می تواند در حد خود انگیزه مطلوبی برای نیل به تربیت نفوس و فضائل اخلاقی بوده باشد.

ضرورت گسترش فرهنگ ایثار و فداکاری در جامعه اسلامی

جهان آفرینش صحنه ایثار است و بذل و بخشش، زمین آنچه را در اختیار دارد به گیاهان و حیوانات ایثارگرانه تقدیم می کند، و درختان و گیاهان تمام مواهب خویش را در اختیار انسان ها و جانداران دیگر می گذارند، قرص خورشید روز به روز لاغرتر می شود و نور افشانی می کند، ابرها می بارند و نسیم ها می وزند و

امواج حیات را در همه جا می گسترانند، این نظام آفرینش است. ولی تو ای انسان چگونه می خواهی گل سرسبد این جهان باشی!.

حیات انسانی شکوفا شدن گلهای عقل و خرد و ملکات برجسته در روح انسان هم چون ایثار و فداکاری است. زیرا ایثار و جانفشانی و گذشت و آمادگی برای شهادت در راه خدا به ما می آموزد، که با پیمودن مدارج تقوا در مسیر انسان کامل قرار گیریم و روز به روز به خدا نزدیکتر شویم.

گفتنی است در طول زندگی انسانها مواقع حساسی پیش می آید که حل مشکلات به کمک اصل عدالت به تنهایی امکان پذیر نیست، بلکه نیاز به ایثار و گذشت و فداکاری دارد، که با استفاده از اصل «احسان» باید تحقق یابد. فی المثل آتش سوزی، طوفان یا سیل و زلزله، بخشی از کشوری را ویران نموده، اگر مردم در چنین شرائطی بخواهند در انتظار آن بنشینند تا با سایر قوانین عادی، مشکل حل شود، امکان پذیر نیست، اینجاست که باید همه کسانی که دارای امکانات بیشتر از نظر نیروی فکری و جسمانی و مالی هستند، دست به فداکاری بزنند، و تا آنجا که در قدرت دارند، ایثار کنند، و گرنه وقایع یا حوادث دردناک، جمع کثیری را به کلی فلج خواهد کرد.

البته در جوامع غربی عاطفه انسانی، ایثار، گذشت، فداکاری و مانند اینها مفهومی ندارد و آن چه در مسیر منافع مادی افراد و ملتها نیست محکوم به فنا است. لیکن تأسف آور است برخی در داخل نیز به هنگام بروزمشکلات خود را کنار می کشند و چنین می پندارند که ایثار و فداکاری بر عهده توده های مردم است؛ حال آنکه غفلت از جان محرومان و ترك انصاف وجود و بخشش و ایثار، مورد نکوهش عقل و خرد است.

هم چنین باید گفت برای بقاء يك جامعه، گاه، خدمات بلاعوض لازم دارد، که نیاز به

ایثار و «رحمت» دارد؛ روشنتر بگوئیم: در زندگی هر قوم و جمعیتی روزهایی است که تنها ایثار و فداکاری می تواند حل مشکل کند، و کمک های متقابل مادی در چنین حالتی بی اثر است، بی اثر!.

نشانه شناسی ایثار و فداکاری آتش نشانان قهرمان

۱. مرگ اندیشی؛ معادباوری؛ شوق به لقای الهی

بی تردید گذشت، ایثار و فداکاری همه بازتاب اعتقاد به زندگی جاویدان در سرای دیگر است، اگر در تاریخ اسلام و حماسه های جاویدان و شرح ایثارگری های کسانی که با تمام وجودشان در راه پیشبرد آئین پاك اسلام جانفشانی کردند دقت کنیم می بینیم که اسلام در تعلیمات خود این درس بزرگ را به آنها آموخته بود که شهادت در راه خدا و در طریق حق و عدالت به معنی فناء و نابودی و مرگ نیست، بلکه سعادت است و زندگی جاویدان و افتخار ابدی؛ لذا افرادی که چنین درسی را در این مکتب بزرگ آموخته اند پروانه وار می سوزند و قربانی می شوند و افتخار می کنند.

بنابراین انسان ها می توانند به این مقام برسند که ماسوای خدا را فدای پروردگار و خالق کنند و محبوب حقیقی را بر دیگران مقدم دارند، و به قول امام صادق(علیه السلام): «دلیل الحب ایثار المحبوب علی ماسواه؛ و نشان دوستی، مقدم داشتن محبوب بر جز اوست.» که در سر سلسله این افراد، انبیاء و ائمه (علیه السلام) جلوه و درخشندگی خاصی دارند.

اینچنین است که مقام «محسنین» از مجاهدین فراتر است چرا که آنها علاوه بر جهاد و تلاش در راه نجات خود، دارای مقام ایثار و احسانند و برای دیگران نیز تلاش می کند. زیرا تنها بهایی که برای ایثار جان طلب می کنند، همان خشنودی خدا است.

به همین دلیل شهیدان راه «الله» که باید برترین پاداشها را در برابر آن ایثار بزرگشان

دریافت دارند به گواهی قرآن پاداش قرب الهی را می یابند، و تعبیر «عند ربهم» شاهد گویای این واقعیت است.

۲. جان فشانی در قله های ایثار وایمان

بدون شك کسانی که در ایمان بر دیگران مقدم می شوند هم شجاعت و آگاهی بیشتری دارند، و هم ایثار و فداکاری فزونتر.

لذا ایمان به علم و قدرت لایزالی که از درون و بیرون انسان بطور یکسان آگاه است و بر آن نظارت می کند، می تواند ریشه نهال های اخلاقی هم چون «گذشت» و «فداکاری» و «ایثار» را در درون جان انسان پرورش دهد.

ورود همه به منطقه امن «ایمان و خداپرستی و حق طلبی» موجب می شود تا گذشت و ایثار برای خدا و در راه او درخشندگی خاصی داشته و از بارزترین صفات انسانی قلمداد شود، به نحوی که هر کجا ایمان وجود دارد ایثار و عشق و فداکاری و گذشت نیز تجلی خواهد یافت گفتنی است ایمان اسمی و سطحی کافی نیست، بلکه ایمان عمیق و خالص لازم است که بتواند سرچشمه ایثار و فداکاری گردد، زیرا این نیروی ایمان است که وقتی در قلب انسان پیدا می شود بزرگترین قدرتها در نظرش کوچک، و در برابر سخت ترین مصائب مقاوم، و نسبت به ایثار جان سخاوتمند می گردد.

۳. به یاد جوانان با غیرت آتش نشان

غیرت به صورت صحیح و معتدل و مثبت يك نیروی دفاعی عظیم است که به کمک آن می توان بر بحران ها و پیروز شد، چرا که این نیروی باطنی هنگامی که جان و مال و ناموس و دین و ایمان در معرض تهدید قرار می گیرد بسیج می شود، و تمام نیروهای ذخیره وجود انسان را به حرکت در می آورد، و گاه يك انسان غیور در تحت تأثیر عامل غیرت، نیرویی به اندازه ده انسان پیدا می کند و تا حد ایثار و فداکاری، ایستادگی و پایمردی نشان

می دهد.

آیا فداکاری و از خود گذشتگی امکان پذیر است؟

می گویند تمام فعالیت های انسان به منظور به دست آوردن يك رشته منافع مادی و روحی و یا دفع ضرر از ناحیه جسم و روان صورت می گیرد با توجه به این اصل چگونه می شود که برخی از کارها يك نوع ایثار و فداکاری و جانبازی و از خود گذشتگی شمرده می شود؟

این پرسش را می توان از دو راه پاسخ داد:

۱- مقصود از «ایثار» و «فداکاری» این است که انسان کاری را بدون «چشم داشت» و انتظار عوض از فرد یا جامعه انجام دهد. به عنوان نمونه مردی که از کمک به نابینایان خوشحال و شادمان می گردد، اگرچه این کار، او را از ضربات شکننده وجدان آزاد می سازد و به زندگی او نشاط و شادی می بخشد، اما چون او در این کار محرك مادی و سود دنیوی ندارد و حس مقابله و معاوضه او را بر این کار وادار نساخته است، از این نظر، چنین کاری از نظر عقل و شرع، عملی شایسته و ایثار و فداکاری شمرده می شود.

۲- عشق به چیزی و یا به کسی گاهی به جایی می رسد که انسان غیر آن چیز و یا آن کس را فراموش می کند و خویشستن و منافع خویش را به دست فراموشی می سپارد در این جاست که غیر از محبوب و یا مقصد، چیزی را نمی بیند و جز هدف مقدسش، چیزی را نمی شناسد .

کلام نورانی امام هادی(علیه السلام) خطاب به مصیبت دیدگان

امام هادی علیه السلام در حدیثی می فرماید: «الْمُصِيبَةُ لِلصَّابِرِ وَاحِدَةٌ وَ لِلْجَازِعِ اثْنَتَانِ ؛ کسی که در مقابل مصیبت صبر کند او فقط یک مصیبت دارد ولی کسی که جزع و بی تابي می کند مصیبت او تبدیل به دو مصیبت می شود».

دنیا چه بخواهیم و چه نخواهیم با مصائبی آمیخته است و همواره چنین

بوده است. مسائل ناخوشایندی که پیش می آید گاهی جنبه ی مالی دارد مثلا فرد ورشکست می شود و یا اموال و املاکی که مدت ها برایش زحمت کشید در آتش می سوزد.

گاه مصیبت جانی است مثلا عزیزی از دست می روند و یا بیمار و مجروح می شوند، اعضای را از دست می دهند و این اتفاقات گاه برای خود انسان می افتد.

حال در مقابل مصائب، انسان دو گونه می تواند عکس العمل نشان دهد:

اول این است که تا آنجا که می تواند صبر کند و در این حال فقط همان یک مصیبت را تحمل کند.

دوم اینکه جزع و بی تابي کند که در این حال گرفتار دو مصیبت می شود. زیرا جزع موجب می شود که اجر مصیبت از بین برود که خود، مصیبت دومی است. یا اینکه بر اثر بی تابي گرفتار بیماری هایی همچون افسردگی، ضعف اعصاب، کج خلقی، بی حوصلگی و مانند آن می شود که اینها خود مصیبت دیگری است. اینکه در حدیث آمده است که در صورت جزع دو مصیبت گریبانگیر انسان می شود یعنی حد اقل مصیبتی که به سراغ انسان می آید دو مصیبت است. گاه انسان بر اثر بی تابي به بیش از دو مصیبت مبتلا می شود.

خداوند در قرآن می فرماید: الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ * أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَ رَحْمَةٌ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ یعنی کسی که در مصیبت صبر می کند صلوات و رحمت خداوند بر او نازل می شود که اجر بسیار والایی است.

سخن آخر

در خاتمه به همه مصیبت دیدگان واقعه پلاسکو تسلیت می گوئیم و دعا می کنیم خدا مشکلاتشان را حل کند.

مسئولان هم علاوه بر ابراز همدردی، باید فکر جبران خسارات را تا آنجا که

ممکن است داشته باشند؛ هم چنین اگر ساختمان های مشابه در تهران هم داریم باید فکری شود تا از بروز حادثه مشابه در این ساختمان ها جلوگیری شود. ساختمان هایی که فرسوده است باید محکم کاری شود تا از چنین حوادثی که در نوع خود کم سابقه یا بی سابقه است، جلوگیری شود.

خداوندا! توفیق ایثار و فداکاری در طریق آئین پاکت به ما مرحمت کن. آمین یا رب العالمین.



پیام های راهپیمایی ۲۲ بهمن از منظر معظم له

۲۲ بهمن ۱۳۵۷، سرآغاز حکومت انقلاب اسلامی و مساله بسیار مهمی است، زیرا انقلاب اسلامی وضع جغرافیای منطقه را تغییر داد و در دنیا نیز اثر گذاشت، با پیروزی انقلاب اسلامی دشمنان نیز پایگاه مهمی را از دست دادند چراکه همه چیز در آن زمان در کشور ما تحت نظر و خواست آنها انجام می شد. در این مدت تمام قدرت های جهانی و استکباری دنیا دست به دست هم دادند که این انقلاب را از بین برند و کسی در این شکی ندارد.

این امر نیز ناشی از این مسأله است که معمولاً انقلاب های دنیا یا با کمک غربی ها علیه شرقی ها بوده و یا بالعکس، اما انقلاب اسلامی از متن مردم جوشید و به معنای واقعی کلمه لاشرقیه و لا غربیه بود و بر اساس اعتقادات مذهبی مردم شکل گرفت و پیشوای آن نیز حضرت امام خمینی(ره)؛ مرجع عالیقدر و مجاهد مخلص بود.

لیکن ملت عزیز ما، با هوش جمعی فوق العاده ای که دارند به خوبی درک می کنند که هر قدر فشار دشمنان خارجی بیشتر شود حضور در صحنه لازم تر و ضروری تر و مایه برطرف شدن خطرهای احتمالی است.

با این تفاسیر همگی باید دست به دست هم بدهیم تا راهپیمایی ۲۲ بهمن با شکوه تر از سالیان قبل برگزار شود.

حضور با شکوه در راهپیمایی ۲۲ بهمن؛ عیار سنجش حامیان و طرفداران انقلاب اسلامی

بدون شک راهپیمایی ۲۲ بهمن شاخصی برای حامیان انقلاب اسلامی است، دشمنان در این روز به دنبال سنجش افکار عمومی هستند و به همین دلیل شرکت در این راهپیمایی از اهمیت خاصی برخوردار است.

۳۸ سال از انقلاب اسلامی می گذرد و این انقلاب پس از گذر از طوفان های سهمگین به اینجا رسیده است که این روزهای بزرگ صحنه تبلور و عینیت یافتن وفاداری و حمایت مردم از نظام است.

قدرت های استکباری در طول این سال ها از هیچ اقدام خصمانه ای علیه مردم و انقلاب فروگذار نکردند، از آن جمله می توان به جنگ تحمیلی هشت ساله اشاره کرد. تحریم اقتصادی، جنگ روانی، محاصره همه جانبه، اسلام هراسی و شیعه هراسی از جمله اقدامات دشمن با ابزارهای غول آسای رسانه های غربی علیه کشور و نظام مقدس جمهوری اسلامی است و همه تلاش بیگانگان بر این امر استوار است که ضمن دلسرد کردن مردم، به دنیا اعلام کنند ایرانی ها به واسطه این فشارها از انقلاب خود خسته شده اند.

همه می دانیم کشور دچار مشکلات اقتصادی است اما مردم با درک اهمیت حفظ نظام، همواره در صحنه های مختلف انقلاب حضور داشته اند زیرا اصل اسلام و نظام را قبول دارند. لذا عقل و تدبیر، دین داری و هوش مردم ایران اقتضا می کند که در همه صحنه ها به ویژه راهپیمایی ۲۲ بهمن حضور چشمگیری داشته باشند و با این کار دشمنان را در رسیدن به اهداف شومشان ناکام بگذارند.

اعلام وفاداری مجدد به انقلاب؛ ناامیدی دشمنان

پس از پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون، دشمنان همه توطئه ها و دسیسه ها را علیه نظام اسلامی به کار بستند؛ واقعا این توطئه ها و دشمنی ها اگر در مورد جمعیتی که پایه مذهبی نداشت انجام می شد، به زودی آن جمعیت متلاشی می شد اما چون اساس روی اعتقادات دینی است، نتوانستند انقلاب را متزلزل کنند و البته تبلیغات آنها الآن هم ادامه دارد.

از این رو باید دانست حضور در راهپیمایی ۲۲ بهمن به منزله اعلام وفاداری مجدد با انقلاب است، این راهپیمایی را ساده و

دست کم نگیرید؛ ظاهر این راهپیمایی، راه رفتن ساده بدون جنگ و کشتار و خونریزی است اما رمز مهم خروش ملت در راهپیمایی ۲۲ بهمن در اعلام وفاداری به آرمان های انقلاب اسلامی نهفته است.

لذا واقعا ضرورت دارد اگر می گوئیم راهپیمایی امر لازم و واجب است به خاطر آن است که خیلی آثار منفی را خنثی می کند؛ قدرت های استکباری این همه تبلیغات کردند که چنین هستند و چنانند و باهم اختلاف دارند اما وقتی می بینند همه متفقاً در این راهپیمایی حضور می یابند، آن تبلیغات باطل و فشارها کم می شود. پیروزی ها بیشتر می شود اما ناامیدی دشمن فراتر می شود. هم چنین راهپیمایی ها مقدمه حفظ نظام است و واجب به شمار می آید، امیدوارم همه

امید است شرایط موجود را همه درک و به وظایف خود عمل کرده و با شکوه خاصی در راهپیمایی شرکت کنند و حماسه تازه ای بیافرینند. ان شاءالله خداوند به برکت نام مقدس پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) نقشه های دشمنان را نقش بر آب خواهد کرد.

صیانت و پاسداشت خون شهدا

انقلاب اسلامی ایران ارزان بدست نیامده و برای به ثمر نشستن و پیروزی آن خون های بسیاری ریخته شده و زحمات فراوانی نیز کشیده شده است.

دهه فجر یعنی دهه زنده کردن ارزش های اسلامی و زنده نگه داشتن خون شهدا، لذا راهپیمایی ۲۲ بهمن مربوط به نظام و خون های شهیدان است، زیرا ما این نظام را به قیمت خون پاک هزاران شهید، مشکلات حصر و شکنجه بزرگان دین به دست آورده ایم و باید از این نظام با جان و دل پاسداری کرده و از آن چه به آن آسیب می رساند بپرهیزیم.

تهدید زدایی؛ ارمغان حضور حداکثری در راهپیمایی ۲۲ بهمن

پیروزی انقلاب در طول ۳۸ سال گذشته به یک معجزه الهی شبیه بود، زیرا ملتی بی سلاح و بدون دفاع در برابر رژیمی تا بن دندان مسلح قیام کردند و توانستند ۲۵۰۰ سال حکومت شاهنشاهی را سرنگون کنند؛ ملت ایران کار ۱۰ ساله را در ۱۰ روز انجام دادند؛ مقاومت و پایداری مردم در مبارزه با شاه موجب شد کاری که شاید ۱۰ سال به طول می انجامید در مدت ۱۰ روز خاتمه یابد.

لذا در طول سال های پس از انقلاب، دشمنان اسلام و ایران هیچ گاه دست از توطئه چینی بر نداشته اند و همه ابزارهای خود را برای ضربه زدن به نظام اسلامی به کار گرفته اند اما در هر مرحله با هوشیاری و بصیرت مردم ایران روبه رو شدند و شکست خوردند.

اینچنین است که باید گفت شرکت در راهپیمایی ۲۲ بهمن تکلیف است، زیرا اگر مردم عقب نشینی کنند فشار دشمن بیشتر می شود.

در واقع راهپیمایی ۲۲ بهمن پاسخی به تهدیدهای آمریکاست؛ دشمنان روی راهپیمایی ۲۲ بهمن و انتخابات حساب باز می کند از همین رو نباید کاری کنیم که دشمنان شاد شوند و احساس کنند محدودیت ها، تهدیدها و تحریم ها اثرگذار بوده است.

بنابراین ملت ایران باید برای نشان دادن انسجام درونی خود در مقابل تهدیدهای دشمنان، راهپیمایی ۲۲ بهمن امسال را پرخروش تر و با شکوه تر از سال های گذشته برگزار کند.

بدیهی است دشمن پی در پی تهدید می کند تا ببینند در مردم ما چه اثری می گذارد، اگر مردم در اثر این تهدیدها نسبت به نظام سست شوند؛ می گوید نقطه ضعف همین جا است و تهدیدها را بیشتر می کنند، دشمنان گمان کنند تحریم ها بر مردم تأثیر گذاشته آن ها را چند برابر می کنند

اما اگر دیدند تهدیدها و فشارها نتیجه معکوس می دهد و مردم پرخروش تر و

منسجم تر شدند دشمنان می فهمند که راه اشتباهی رفتند و تهدید و فشار بر این جمعیت نتیجه معکوس دارد؛ این مسأله مهمی است که ما امسال با آن روبه رو هستیم و همه باید حق آن را ادا کنیم.

بنابراین با توجه به شدت گرفتن تهدیدهای خارجی، همه اقشار و همه جناح ها با همدلی برای حفظ کشورشان و برای عظمت نظام اسلامی خود با شور و هیجان بیشتر و با صفوف متحدتر به خیابان ها خواهند آمد و نقشه های دشمنان را نقش بر آب خواهند نمود.

حضور در راهپیمایی ۲۲ بهمن قدر شناسی از نعمت انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی نعمتی الهی است و ما باید این نعمت را قدردان بدانیم، لذا حضور در راهپیمایی ۲۲ بهمن قدرشناسی از نعمت انقلاب است، در قرآن کریم آمده است «ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم» اگر ما عوض نشویم لطف خدا عوض نخواهد شد؛ پناه بر خدا از روزی که اختلاف جای وحدت، بی تقوایی جای تقوا و دشمنی جای دوستی و کارهای خلاف جای اطاعت فرمان الهی را بگیرد در این صورت خدا نعمت خود را از ما سلب خواهد کرد.

بدین ترتیب همه باید شاگرد خدای متعال باشیم که پس از ۳۸ سال با آن همه عداوت دشمنان و کارشکنی های داخلی و خارجی، انقلاب و نظام ما همچنان باقی مانده و قوی تر از همیشه در منطقه حرف اول را زده و در دنیا یکی از کشورهای است که حرف اول را می زند.

اگر کسی زمان قبل از انقلاب را با الآن مقایسه کند و تفاوت ها را نفهمد، بی انصافی است. حال باید شکر این نعمت بزرگ را به جا آوریم، باید بدانیم آیا ما از این نعمت قدردانی می کنیم یا نه؟! البته مسئولان نیز باید قدر حضور حماسی مردم را بدانند و در حل مشکلات و مقابله با توطئه های دشمنان بیش از پیش کوشا باشند.

امیدواریم خداوند به همه ما بصیرت بدهد که از نعمت هایی که نصیب ما شده پاسداری و بتوانیم انقلاب را حفظ کنیم.

سخن آخر

در خاتمه باید گفت شرکت در راهپیمایی ۲۲ بهمن وظیفه شرعی است؛ هم چنین حضور حداکثری در راهپیمایی پیروزی انقلاب اسلامی به عنوان یک تکلیف، موجب می شود مشمت محکمی بر دهان یاهو گویان مستکبر زده شود.

از سوی دیگر راهپیمایی امسال باید پرشکوه تر و پرخروش تر برگزار شود، زیرا دشمنان روی راهپیمایی ۲۲ بهمن حساب باز می کنند، ولی الحمدالله در بسیاری از موارد با شکست مواجه شدند زیرا در محاسبات خود محبت این مردم را به اهل بیت علیهم السلام و تلالؤ انوار ولایت آنها را در سینه های آنها در نظر نگرفته بودند، و همین نور ولایت بود که در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ متجلی شده و مبدأ تحولی عظیم در سطح جهانی گردید.

بی شک انقلاب اسلامی بعد از ۳۸ سال همچنان مستحکم تر از همیشه و نقطه امید مسلمانان و خاری در چشم دشمنان است. نسبت به این موضوع مطمئن هستیم که مردم در آزمون راهپیمایی ۲۲ بهمن سربلند می شوند. که تحقق این حضور حداکثری، نشانه همبستگی و عامل هراس و ترس دشمنان را فراهم خواهد کرد.

روز شمار وقایع انقلاب اسلامی ۵۷ به روایت حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (مدظله)

بی تردید وقایع نیمه دوم سال ۱۳۵۷، از جایگاه بی بدیل در پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی برخوردار است، در آن برهه از زمان اعلامیه ها، بیانیه ها، مقالات و مصاحبه های علمای مبارز نقش به سزایی در سقوط رژیم پهلوی ایفا کرده است که از آن جمله می توان به مبارزات فراگیر حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی(مدظله) اشاره کرد.

معظم له که مبارزه خود را با رژیم پهلوی از ابتدای دهه ۶۰ آغاز کرده و در خرداد ۱۳۴۲ نیز توسط حکومت شاه مدتی زندانی شده و پس از آزادی، مبارزات خود را از سر گرفته بود، بعد از قیام نوزده دی ۱۳۵۶ قم، به اتهام «اقدام علیه امنیت و اخلال در نظم و آسایش عمومی» در ۲۱ دی ماه همان سال به چابهار و در ادامه به مهاباد و انارک نائین تبعید شد که در مرداد ماه ۱۳۵۷ از تبعید رهایی یافت و با شدت گرفتن حوادث انقلاب، به تهران آمد.

آیت الله العظمی مکارم شیرازی در زمینه های مذهبی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صاحب قلمی بود، لذا از سال ۱۳۳۷ ماهنامه درس هایی از مکتب اسلام را منتشر نمود، پس از رهایی از تبعید، در نیمه دوم سال ۱۳۵۷ مقالات و مصاحبه هایی در روزنامه های کثیر الانتشار اطلاعات و کیهان منتشر کرد.

در این بین نگاشته های معظم له به علت استمرار نگارش و منسجم بودن ساختار مقالات، به روز بودن موضوعات مقالات با توجه به مسائل جاری کشور، مستند و شیوا و قابل فهم بودن نگاشته ها و مقالات برای

عامه مردم، پیش بینی ها و توصیه هایی که پس از انقلاب محقق شدند، فراگیری (خطاب به نظامیان، شاپور بختیار...) و انتشار در نشریه های کثیرالانتشار آن هم در زمان حاکمیت رژیم پهلوی، از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است.

رویکرد عالمانه معظم له در تبیین مبانی اسلام اصیل و اتخاذ رویکرد هوشمندانه در بهره گیری مستمر به ویژه از رسانه های حکومت مستقر در نیمه دوم سال ۱۳۵۷ در راستای سرنگونی آن رژیم، روزشمار بی بدیل وقایع انقلاب اسلامی از منظر و روایت معظم له را در روزنامه های کیهان و اطلاعات ۵۷، در قالب یازده مقاله و یادداشت و دو مصاحبه رقم زده است که عبارتند از:

۴ و ۶ آبان ۱۳۵۷

انتشار دو مقاله از معظم له در روزنامه کیهان با عناوین «۷ماه در تبعید» و «بلای استبداد و ریاکاری»

آیت الله العظمی مکارم شیرازی در چهارم و ششم آبان ۱۳۵۷ در دو مقاله با عناوین «۷ماه در تبعید» و «بلای استبداد و ریاکاری» که در روزنامه کیهان منتشر شد، به بیان خاطرات خود از دوران تبعید به نقاط مختلف کشور پرداخت. او که در جریان قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ طعم زندان شاه را نیز چشیده بود در پایان خاطرات خود از زندان و تبعید این گونه نتیجه گرفت: «زندان عناصر انقلابی را پخته تر، آگاه تر و مقاوم تر می کند، تبعید ندای انقلاب را به نقاط دور و نزدیک می رساند.»

۱۴ آبان ۱۳۵۷

تأکید بر تشکیل حکومت اسلامی

حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی در مصاحبه ای با خبرنگار روزنامه اطلاعات که در ۱۴ آبان ۱۳۵۷ و در آستانه روی کارآمدن دولت نظامی غلامرضا ازهاری، به چاپ رسید، تشکیل حکومت اسلامی در ایران را امکان پذیر دانست و تأکید کرد حکومت اسلامی بر اساس عدالت، آزادی،

مبارزه با فساد طبقاتی و مبارزه با فساد در تمام دستگاه هاست. معظم له افزود: اگر دولت نظامی سرکارآید و مردم چاره ای جز دفاع از خود نداشته باشند، جهاد اعلام می شود. یک روز پس از این مصاحبه، با روی کارآمدن دولت نظامی غلامرضا ازهاری مطبوعات اعتصاب کردند که این اعتصاب تا ۱۶ دی ۱۳۵۷ ادامه داشت.

۲۳ دی ۱۳۵۷

تبیین ماهیت حکومت اسلامی

پس از پایان اعتصاب مطبوعات و با شدت گرفتن حوادث انقلاب در دی و بهمن ۱۳۵۷، آیت الله العظمی مکارم شیرازی بر فعالیت رسانه ای خود افزود. معظم له در ۲۳ دی ۱۳۵۷ با انتشار مقاله ای در روزنامه کیهان تحت عنوان «حکومت اسلامی چگونه حکومتی است؟» تأکید کرد: «مفهوم «حکومت اسلامی»؛ قطع پیوند با جهانیان، بستن در چاه های نفت بر روی مردم دنیا، مبارزه با صنعتی شدن کشور، بازگشت به زندگی سنتی قرون وسطا، گذراندن اقلیت ها از دم شمشیر، محرومیت زنان از حقوق اجتماعی، حذف دموکراسی از برنامه حکومت و روی آوردن به خشونت و استبداد، آنچنان که دکتر اوئن(وزیر خارجه وقت انگلیس) و همفکرانش در شرق و غرب پنداشته اند نیست، بلکه حکومت اسلامی تلاشی سازنده و انقلابی است پویا در جهت عکس آن.»

۳ بهمن ۱۳۵۷

نامه سرگشاده آیت الله العظمی مکارم شیرازی به بختیار در بهمن ۱۳۵۷: «دولت شما فقط یک عیب دارد!»

پس از رأی اعتماد مجلس سنا و مجلس شورای ملی به کابینه شاپور بختیار، شاه در ۲۶ دی ۱۳۵۷ از کشور خارج شد و به بهانه استراحت و مداوا به مصر رفت.

سه روز پس از خروج شاه، با پیام امام خمینی(رحمة الله علیه)، مردم سراسر ایران در تظاهرات پانزده میلیونی در ۲۹ دی

۱۳۵۷، خواستار بازگشت امام(رحمة الله علیه) و تشکیل «حکومت اسلامی» در ایران شدند. با این حال شاپور بختیار با تأکید بر اینکه «نخست وزیر قانونی» است، ادعا کرده ۹۹ درصد روحانیون نیز طرفدار اویند؛ ادعایی که بلافاصله با انتشار اعلامیه هایی از سوی روحانیون طراز اول ایران به شدت رد شد.

در این میان آیت الله العظمی مکارم شیرازی(مدظله) با انتشار نامه ای سرگشاده خطاب به بختیار، با عنوان «دولت شما فقط یک عیب دارد!» در روزنامه اطلاعات(۳ بهمن ۱۳۵۷) نوشت: «درست است که شما مرغ طوفانید، اما این باد، طوفان نیست، صاعقه آتش زاست... خودتان هم کم و بیش احساس کرده اید پایگاهی در میان مردم برای شما نیست و همین است یک عیب شما! و نیز همین است دلیل غیر قانونی بودن حکومت شما!».

۴ بهمن ۱۳۵۷

تبیین اصول بنیادین انقلاب اسلامی

در دی و بهمن ۱۳۵۷، شاپور بختیار که ورود امام خمینی(رحمة الله علیه) به کشور را به منزله پایان حکومت خود می دانست، با اعلام بستن فرودگاه های کشور به بهانه مشکل فنی! در صدد برآمد تا با تأخیر انداختن ورود امام به کشور، اجتماعاتی به طرفداری از خود برپا کند و در میان صفوف مبارزین و انقلابیون شکاف و رخنه ایجاد کند.

در این اوضاع و احوال، آیت الله العظمی مکارم شیرازی با انتشار نوشتاری با عنوان «اصول برای پیروزی انقلاب» در روزنامه کیهان(۴ بهمن ۱۳۵۷) سعی کرد با تقویت اتحاد، انسجام و هم گرایی میان انقلابیون با این گونه اقدامات دولت بختیار مقابله کند.

معظم له در این روزنامه ضمن برشمردن ده اصل برای پیروزی انقلاب تأکید کرد: «این انقلاب به همان نسبت که به هدف نهایی نزدیک تر می گردد، پیچیده

تر، حساس تر و شکننده تر خواهد بود و کمترین اشتباه و غفلت در موضع گیری صحیح انقلابی، ممکن است ضربه های درد ناکی بر ما وارد سازد، و چون این بار با تمام سرمایه وجود خود پا به میدان نهاده ایم، اگر خدای ناکرده نتیجه عقیم بماند، چنان ضربه ای بر ما وارد می شود که به آسانی کمر راست نخواهیم کرد و همه چیز را از دست خواهیم داد.»

۵ بهمن ۱۳۵۷

ترغیب بدنه ارتش به حمایت از انقلاب

دولت بختیار با اتکا به نظامیان و حامیان غربی و در رأس آنان آمریکا، برای پیدا کردن پایگاه اجتماعی با همراهی گسترده نظامیان و خانواده هایشان در پنجم بهمن، اجتماعی در تهران بر پا کرد. آنان اعلام کردند این تظاهرات در حمایت از «قانون اساسی» است. از سوی دیگر، نظامیان در برخی نقاط دست به مانور و رژه زدند.

در چنین شرایطی آیت الله العظمی مکارم شیرازی با انتشار مقاله ای با عنوان «بیابید از یک فاجعه خونین جلوگیری کنیم!» در روزنامه اطلاعات(۵ بهمن ۱۳۵۷) سعی کرد بدنه ارتش را به سوی مردم جلب کند.

معظم له در بخشی از مقاله تصریح کرد: «من فکر می کنم اگر همه گروه هایی که در داخل و خارج با مسایل ایران درگیر هستند، در رویارویی با حوادثی که با سرعت بر ما می گردد، واقعیات را هر چند بر خلاف تمایلاتشان باشد بپذیرند و عقل و درایت را به یاری طلبند، یافتن راه سلامت در این مثلث مرگ و زندگی(پیروزی انقلاب؟ ادامه هرج و مرج؟ یا جاری شدن سیل خون؟) مشکل نخواهد بود و هرگز فاجعه ای روی نخواهد داد؛ فاجعه ای که هیچ کس از آن سودی نمی برد.»

۱۰ بهمن ۱۳۵۷

هشدار به امرای ارتش؛ «اگر از ما نیستید در صف دشمنان ما هم نباشید» دولت بختیار پس از آنکه موفق شد موقتاً

از ورود امام خمینی(رحمة الله علیه) به کشور مانعت کند و با ایجاد رعب و وحشت و به راه انداختن کشتار های مختلف، مخالفان را عقب برآند، اما مردم و روحانیون بر عزم خود برای ساقط کردن حکومت پهلوی افزودند و علمای برجسته، از جمله آیت الله العظمی مکارم شیرازی در اعتراض به بسته شدن فرود گاه ها از صبح ۸ بهمن ۱۳۵۷ در مسجد دانشگاه تهران دست به تحصن زدند که با استقبال گروه های مختلف روبه رو شد.

در روزهای اوج گیری انقلاب، حامی اصلی دولت بختیار نظامیان بودند؛ لذا آیت الله العظمی مکارم شیرازی با انتشار مقاله ای با عنوان «سخنی با امرای ارتش؛ اگر از ما نیستید در صف دشمنان ما هم نباشید» در روزنامه اطلاعات(۱۰ بهمن ۱۳۵۷) به نظامیان تأکید کرد: «فردا که دادگاه ملت تشکیل شود تو را هم چون سایر مأموران ناپذیرفته عذری که هم اکنون در کنج زندان در انتظار محاکمه های پر سرو صدا به سر می برند به پای میز محاکمه و دادگاه عدالت خواهند کشید. هر قدر زور مند باشی از هویداهای و نصیری ها که روزی مردم از سایه آنها نیز وحشت داشتند زورمند تر نیستی؛ سری به زندان ها بزن و حال و روزگار آنها را ببین و عبرت گیر!».

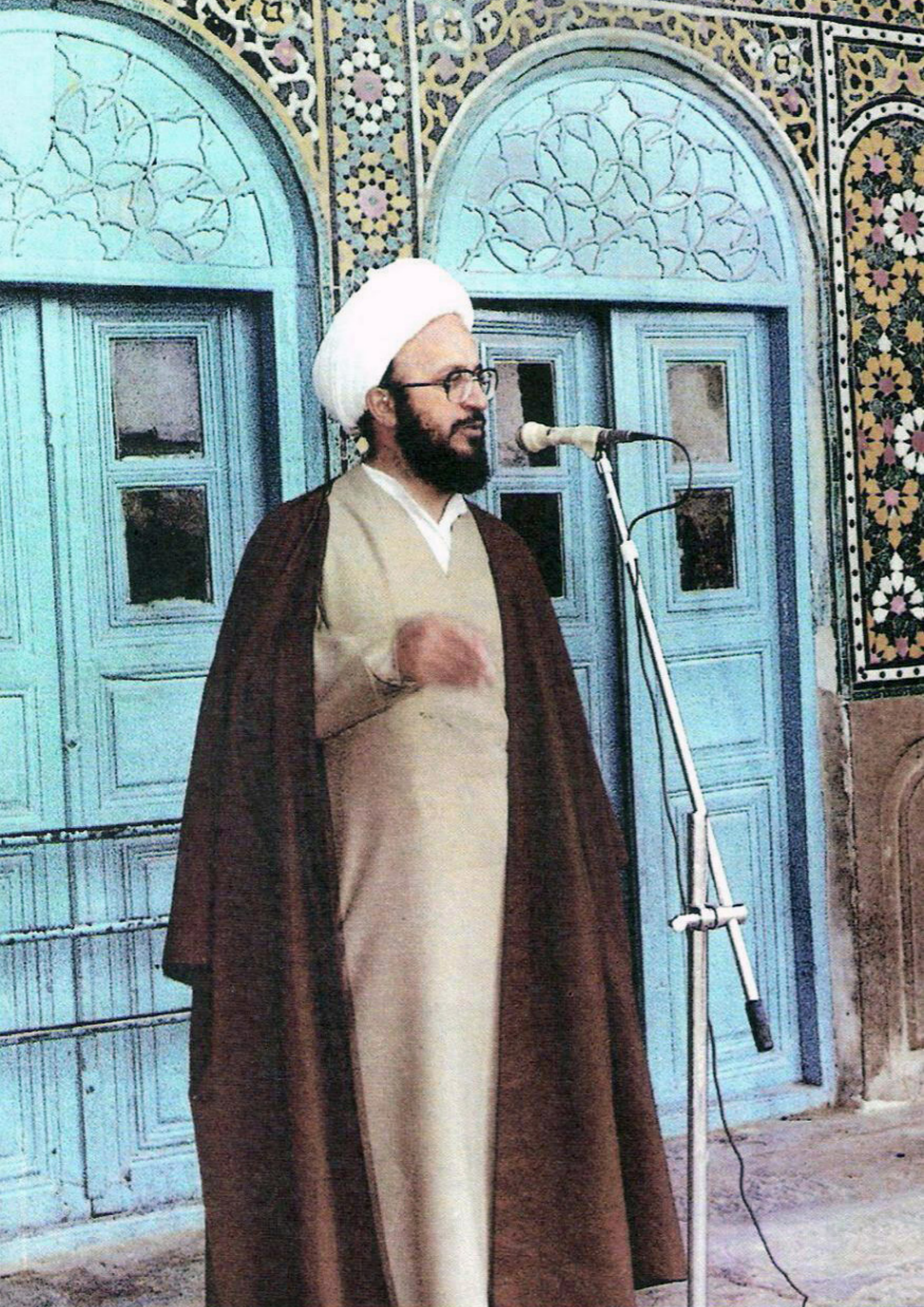
۱۱ بهمن ۱۳۵۷

تشریح اصول اساسی حکومت اسلامی

سرانجام شاپور بختیار در اثر فشار مردم و تحصن روحانیون در مسجد دانشگاه تهران و سایر نقاط مجبور به بازگشایی فرودگاه ها شد.

با قطعی شدن ورود امام خمینی (رحمة الله علیه) به کشور، آیت الله العظمی مکارم شیرازی با انتشار مقاله ای با عنوان «اصول اساسی حکومت اسلامی» در روزنامه کیهان(۱۱ بهمن ۱۳۵۷) این اصول را برشمرد:

۱. حق مشارکت مردم
۲. استفاده از صاحب نظران هر رشته
۳. نظارت فقیه



معظم له در پایان مقاله خطاب به بختیار نوشت:

«این را نیز باید بگویم شما کراماً می گوئید من بسیاری از خواسته های مردم را انجام داده ام. می پرسیم: با استفاده از کدام اختیارات؟ می گوئید: نخست وزیرم! ولی آیا این ادعا با گفته شما که می گوئید ۲۵ سال است دیکتاتوری بر همه چیز این کشور سایه انداخته -طبعاً مجلس قانون گذاری رستاخیزی اش تلاش مظهر کامل این دیکتاتوری است- تناقض آشکاری ندارد؟!»

۱۵ بهمن ۱۳۵۷

تبیین نقش زن در حکومت اسلامی؛ «زن کالای تزئینی و مصرفی نیست»

آیت الله العظمی مکارم شیرازی (مدظله) که از مسائل اجتماعی غافل نبود، در ۱۵ بهمن ۱۳۵۷ با خبرنگار روزنامه کیهان درباره «نقش زن در حکومت اسلامی» و مسائل مربوط به کار کردن زنان در مشاغل مختلف اجتماعی در سیستم حکومت اسلامی گفت و گو کرد.

۱۶ بهمن ۱۳۵۷

تبیین مسأله جهاد در اسلام

در شب ۱۵ بهمن ۱۳۵۷ شاپور بختیار در گفت و گویی با رادیو تهران گفت: «جمهوری اسلامی برای من به تمام معنا مجهول است»؛ بختیار درباره احتمال اعلام جهاد علیه دولتش گفت من به عنوان یک مسلمان تا به حال نشنیده بودم که جهاد مربوط به یک مسلمان با مسلمانان دیگری باشد.

آیت الله العظمی مکارم شیرازی در ۱۶ بهمن ۱۳۵۷ در روزنامه کیهان با عنوان «بختیار و مسأله جهاد و جمهوری اسلامی» به سخنان بختیار واکنش نشان داد، معظم له نوشت: «بختیار جهاد را تنها در برابر دشمن غیر مسلمان روا دانسته در حالی که دوران حکومت حضرت علی (علیه السلام) در مبارزه با سه گروه به ظاهر مسلمان ناکتین، قاسطین و مارقین خلاصه می شود.

۱۸ بهمن ۱۳۵۷

رفع اتهام استبداد از حکومت اسلامی

پس از آنکه امام خمینی (رحمة الله علیه) مهدی بازرگان را در ۱۵ بهمن ۱۳۵۷ به نخست وزیر موقت برگزید مردم در سراسر کشور با راهپیمایی های گسترده، حمایت خود را از نخست وزیر مهندس بازرگان اعلام کردند، اما شاپور بختیار هم چنان بر قانونی بودن خود اصرار داشت. لذا حکومت مستبد پهلوی در آستانه سقوط، نیروهای انقلابی را به استبداد متهم نمود.

در چنین وضعیتی بود که آیت الله العظمی مکارم شیرازی با انتشار مقاله ای با عنوان «استبداد اتهام بزرگ روزاچرا دشمن ما را متهم به استبداد می کند و چه کنیم تا به استبداد متهم نشویم؟» در روزنامه اطلاعات (۱۸ بهمن ۱۳۵۷) تأکید کرد: «این بسیار طبیعی است که یک اکثریت نیرومند و قاطع را در معرض چنین اتهامی قرار دهند، زیرا این بهترین وصله ای است که دشمن می تواند بچسباند و روی آن تکیه کند و نیز طبیعی است که گاهی قاطعیت که برای پیشبرد هر مبارزه انقلابی شرط است با استبداد اشتباه شود، زیرا مرز این دو کاملاً به هم نزدیک می باشد.»

۲۲ بهمن ۱۳۵۷

جلوگیری از انحلال ارتش

سرانجام در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، انقلاب اسلامی مردم ایران که نقطه آغاز آن قیام خونین، ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ بود، با رهبری الهی و هوشمندانه امام خمینی (رحمة الله علیه) و همراهی آگاهانه و گسترده علمای مبارز و مردم ایران به پیروزی رسید و زمستان ۱۳۵۷، به بهار بیداری اندیشه های الهی پیوند خورد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، عده ای در صدد انحلال برخی از سازمان ها برآمدند. این عده به شدت در صدد انحلال ارتش بودند.

اما آیت الله العظمی مکارم شیرازی با

انتشار مقاله ای با عنوان «توطئه خطرناک» در روزنامه اطلاعات (۱۵ اسفند ۱۳۵۷) تأکید کرد: «ارتشیان انقلابی ما سهم بسیار مهمی در به ثمر رسانیدن انقلاب اسلامی دارند»، معظم له ضمن مخالفت شدید با انحلال ارتش نوشت: «البته سازمان منظمی برای پاسداری انقلاب کاملاً ضروری است...».

این توصیه معظم له به سرعت محقق شد و در اواخر فروردین ۱۳۵۸، امام خمینی (رحمة الله علیه) دستور تشکیل «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی» را زیر نظر شورای انقلاب اسلامی صادر کردند و در دوم اردیبهشت ۱۳۵۸ تشکیل این نهاد رسماً اعلام شد.

منبع: کتاب «از تبعید تا پیروزی»؛ اثر میرزا باقر علیان نژاد که نخستین بار در سال ۱۳۹۲ از سوی انتشارات سوره مهر منتشر شده است.

بازخوانی ماهیت «حکومت اسلامی»

از منظر معظم له

مهدی نجفی

شناخت صحیح اسلام که به گواهی تاریخ پیدایش آن، انقلابی بر ضد ظلم، خفقان و در جهت منافع مردم ستمدیده و رهایی از زنجیرهای اسارت و پاکسازی محیط از انحرافات فکری و مفساد اخلاقی و دعوت به توحید و یک پارچگی در همهٔ زمینه ها است، حاکی از این مسألهٔ مهم و کلیدی است که ترویج دیانت بدون اصلاح حکومت امکان پذیر نیست؛ مخصوصاً در دنیای امروز که رسانه های عمومی با تأثیر عمیقی که در افکار مردم دارد و همچنین برنامه های مربوط به آموزش و پرورش از سطوح پایین تا سطح عالی که در اختیار حکومت ها یا عناصر وابسته به حکومت است.

از این جهت است که انتخاب عنوان «حکومت اسلامی» به عنوان هدف نهایی نهضت رهایی بخش ملت ایران که با الهام از روحانیت صورت گرفته، سوالات گوناگونی را در داخل و خارج از کشور برانگیخته و آینده مبهم و نگران کننده ای در نظر گروهی ترسیم کرده است.

بعضی با شک و تردید می پرسند اگر این هدف (حکومت اسلامی) تحقق یابد مفهومش این نخواهد بود که خط سرخی روی حرکت صنعتی کشور و مدرنیزه کردن زندگی ملت ما کشیده شود و مردم به زندگی صد سال پیش بازگردند؟ بعضی دیگر با نگرانی و سوء ظن می گویند آیا در حکومت اسلامی پیوند های دوستی با دول غیر مسلمان قطع نخواهد شد؟ و یا لااقل همکاری بین المللی تضعیف نخواهد گشت؟... گروه دیگری مسائلی از قبیل تقویت بی ثباتی در شاهرگ حیاتی انرژی

غرب یعنی منطقه خلیج فارس را مطرح می کنند، برخی حقوق زنان، آینده مبهم اقلیت های مذهبی! و برخی نیز اتهامات واهی از قبیل خشونت آفرینی در حکومت اسلامی به جای انعطاف و نرمش را عنوان می کنند.

حال آنکه باید اعتراف کنیم بسیاری از پرسش ها، نگرانی ها و سوء ظن ها از ابهام مفهوم «حکومت اسلامی» نشأت می گیرد لیکن با تبیین چیستی و ماهیت آن، این گونه سوء ظن ها بر طرف می شود.

ضرورت تشکیل حکومت اسلامی

هر کس قرآن مجید و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام، و همچنین تاریخ اسلام را مورد توجه قرار دهد؛ این مسأله را به وضوح در می یابد که جدا کردن حکومت و سیاست از اسلام امری غیر ممکن است؛ و به منزله این است که بخواهند اسلام را از اسلام جدا کنند!

زیرا اهدافی که پیامبران الهی علیهم السلام داشتند و مأمور اجرای آن بودند، بدون تشکیل حکومت عملی نبود، و آنچه ممکن بود به صورت محدود پیاده می شد. به عنوان نمونه تعلیم و تربیت، قیام به قسط، عدالت اجتماعی، آزاد کردن انسان از اسارتها، احقاق حقوق مظلومان، تربیت نفوس و پرورش فضایل اخلاقی از جمله اهداف پیامبر الهی است که در قرآن مجید ذکر شده است. این اهداف بدون تشکیل حکومت اسلامی در سطح وسیع و گسترده قابل تحقق نیست.

از سوی دیگر هرگاه در کشوری زندگی کنیم که حکومت در دست ما نباشد و بخواهیم نظام تعلیم و تربیت اسلامی را پیاده کنیم توفیق چندانی نخواهیم داشت. اگر صدا و سیما و مطبوعات را در اختیار نداشته باشیم، و فقط از طریق منبر و موعظه و بدون پشتوانه اجرایی بخواهیم در مساجد و حسینیه ها جوانان را تحت پوشش تعلیم و تربیت قرار دهیم، کافی نخواهد بود.

اگر بخواهیم عدالت اجتماعی را پیاده کنیم، بدون تشکیل حکومت اسلامی چگونه امکان پذیر خواهد بود؟ آیا به صرف توصیه و پند و اندرز در داخل مساجد و حسینیه ها عدالت اجتماعی محقق می شود؟ آیا بدون داشتن قدرت اجرایی و اسباب و ابزار باز دارنده، و امکانات مجازات فاسدان و مفسدان اقتصادی، می توان حق مظلومان را از ظالمان گرفت؟

لذا با اینکه انسان ها از نگاه فردی، آزاد و مختارند ولی چون این آزادی، با تکلیف و مسئولیت اجتماعی نسبت به ارزش های الهی، همراه است، تحقق این ارزش ها به صورت طبیعی در عرصه های اجتماعی از جمله فعالیت های اقتصادی بدون حضور و دخالت حکومت اسلامی میسر نیست.

همچنین آیا اعطای آزادی به انسانها، و رهانیدن آنان از اسارت های هوا و هوس و ظلم ظالمان و ستمگران، بدون تشکیل حکومت اسلامی امکان پذیر است؟

آری، اگر اهداف دین یک سلسله مسایل فردی- نظیر نماز و روزه و مانند آن- بود بدون تشکیل حکومت هم قابل اجرا بود (البته آن هم در سطح وسیع و گسترده امکان پذیر نبود) ولی می دانیم که اسلام یک آیین اجتماعی فراگیر است و دستورات فراوان اجتماعی دارد، و لازمه اجرایی کردن آن تشکیل حکومت دینی است.

پیشینهٔ تشکیل حکومت اسلامی

در طول تاریخ هر یک از پیامبران که قدرت پیدا کردند تشکیل حکومت دادند. حضرت داوود، سلیمان، موسی علیهم السلام و رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله از جمله آن بزرگوارانند. و اگر پیامبرانی چون حضرت ابراهیم و عیسی علیهما السلام دست به این کار بزرگ نزدند، فرصت یا امکانات کافی در اختیار نداشتند.

لذا نخستین گامی که پیامبر صلی الله علیه و آله در مدینه برداشت تشکیل حکومت اسلامی بود، و آن را یکی از ارکان مهم اسلام بلکه ضامن اجرای تمام قوانین آن می شمرد. زیرا هیچ برنامه اجتماعی و

اصلاحی بدون اتکاء به یک حکومت صالح، جنبه عینی و عملی پیدا نمی کند بلکه در یک مشث ذهنیات خلاصه خواهد شد، به همین دلیل آن حضرت در نخستین فرصت ممکن به فرمان خداوند پایه های حکومت را بنا نهاد؛ ارتشی تشکیل داد که مهاجران و انصار در آن شرکت داشتند؛ و هر کس در هر سن و سال و در هر شرایط- بجز زنان و کودکان و بیماران و از کار افتادگان ملزم به شرکت در آن بوند. تهیه سلاح و مرکب و آذوقه این ارتش کوچک و ساده قسمتی بر عهده خود مردم بود، و قسمتی بر عهده حکومت اسلامی؛ و هر قدر دامنه غزوات و پیکار با دشمنان سر سخت گسترده تر می شد تشکیلات ارتش اسلام وسیع تر و منظم تر می گشت. حکم زکات نازل شد و برای نخستین بار بیت المال اسلامی برای تأمین هزینه های جهاد، و تأمین نیازهای محرومان تشکیل گردید.

این نکته نیز قابل توجه است که این حق بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله به امامان معصوم علیهم السلام و بعد از آنها به نواب آنها یعنی مجتهدان جامع الشرایط می رسد، که در آخرین حلقه این سلسله از فقها، امام خمینی قدس سره قرار دارد که با طرح حکومت اسلامی و نظریه ولایت فقیه، مبارزه اش را بر ضد استبداد داخلی و استعمار خارجی آغاز کرد که به سقوط رژیم سلطنتی در ایران و تشکیل حکومت اسلامی انجامید.

تشکیل حکومت اسلامی؛ تجلی تفکر توحیدی

هنگامی که بپذیریم سراسر عالم آفرینش مخلوق خداست باید قبول کنیم که ملک تام او است؛ و طبیعی است که حاکمیت مطلق بر چنین جهانی قبل از هر کس و هر چیز از آن او خواهد بود. بنابراین حاکمیت ها باید به او منتهی شود، و به فرمان او صورت گیرد؛ به همین دلیل ما پیامبران الهی را حاکمان اصلی از سوی او می دانیم .

و نیز به همین دلیل پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در اولین فرصت ممکن حکومت

را تشکیل داد. بعد از او نیز کسانی که حق حکومت دارند برای این مقام تعیین شده اند که بنابر نص صریح روایات بر «دوازده نفر» خلاصه شده است. بر اساس همین تفکر، در زمان غیبت حضرت مهدی (عج) نیز کسانی حق حکومت دارند، که از سوی او به طور خاص یا به طور عام برای احراز این مسئولیت منصوب شده باشند.

با این تفاسیر می توان گفت «حکومت» از دیدگاه یک مسلمان موحد باید از سوی بالا تعیین شود؛ حتی حقی که برای مردم قائل می شویم آن حق نیز باید از سوی خدا معین گردد و هرگز یک موحد خداپرست نمی تواند اراده خلق را بی آنکه منتهی به اراده خالق شود به عنوان اساس حکومت بپذیرد؛ اینکه بعضی از نا آگاهان نوشته اند: « هرکس را اکثریت مردم به زمامداری برگزینند... و یا این مردم هستند که ولایت را به کسی می دهند و به حاکمیت او عینیت می بخشند» با تفکر توحیدی سازگار نیست.

لذا تفکر توحیدی می گوید: این خداست که ولایت را به کسی می دهد و به حاکمیت او عینیت می بخشد، و اگر مردم در این زمینه حقی دارند آن هم به اذن و فرمان او است. کوتاه سخن اینکه تفکر توحیدی «حکومت» را از سوی بالا می بیند و تفکرات الحادی، از سوی پایین!

نقش مردم در تشکیل حکومت اسلامی

با قبول توحید، حق حکومت اولاً و با لذات از آن خدا شمرده می شود؛ سپس از آن هر کس که اوبخواهد و برای این منصب قرار دهد. بنابراین حکومت اسلامی نه حکومت دیکتاتوری و استبدادی است، و نه حکومت دموکراسی؛ بلکه نوعی حکومت برتر یعنی حکومت خدایی و الهی است.

ولی این بدان معنی نیست، که اصل مشورت و توجه به آراء مردم در بافت حکومت اسلامی نقشی نداشته باشد؛ و نسبت به آن بی توجهی شود.

زیرا هنگامی که خداوند دستور به مشورت

و توجه به آراء مردم بدهد؛ این امور مشروعیت پیدا می کند؛ لذا در آیه ۳۸ سوره «شوری» برای مؤمنان متوکل علی الله هفت صفت بارز ذکر می کند که یکی از آنها مشورت در امور مهم است و می فرماید: «و امرهم شوری بینهم؛ و امرشان با مشورت در میان آن ها انجام می گیرد!».

بدین ترتیب «جوهره حکومت اسلامی» حکومت الهی است؛ ولی این حکومت در نهایت سر از حکومت مردمی در می آورد. تعیین پیامبران و امامان و جانشینان آنها، جوهره الهی حکومت را تشکیل می دهد و مأمور بودن این افراد به مسأله مشورت و احترام به آراء مردم که آن نیز به فرمان خداست، جوهره مردمی آن را تشکیل می دهد.

باید دانست آنچه سبب تقویت امامت امامان و حاکمیت حاکمان می شود همکاری و هماهنگی مردم است. اگر اطاعت و همکاری مردم نباشد نظام امامت نیز به هم می ریزد، از این رو در مسائل مربوط به حکومت اسلامی نیز می گوئیم: حمایت مردم و آرای ملت از اساسی ترین پایه های حکومت است، زیرا امامی می تواند نظام امت را برقرار کند که مبسوط الید باشد و مبسوط الید بودن جز از طریق همکاری مردمی حاصل نمی شود.

به هر حال چگونه می توان این واقعیت را انکار کرد که مشارکت مردم در امر حکومت، به حاکمان، قدرت و قوت می بخشد و بدون مشارکت آنها هیچ کاری از آنان ساخته نیست.

سخن آخر

بی تردید اگر اسلام مانند مسیحیت کنونی محدود به یک سلسله احکام اخلاقی بود؛ این پدیده ها در تاریخ اسلام مفهومی نداشت و هیچ کس با یک معلم ساده اخلاق یا زاهد گوشه گیر و پیشوایی که تنها به اقامه نماز جماعت قناعت می کند معارضه ای ندارد.

معارضه تنها زمانی شروع می شود که پای مسأله حکومت به میان آید، ؛ از سوی دیگر

بسیاری از احکام اسلامی که در متن قرآن مجید آمده است با صدای رسا فریاد می زند که باید حکومتی تشکیل گردد؛ و در چهارچوب حکومت پیاده شود، و به تعبیر دیگر، این احکام، احکام سیاسی است؛ و خط سیاسی جامعه اسلامی را تعیین می کند.

بنابراین مفهوم «حکومت اسلامی»؛ قطع پیوند با جهانیان، بستن چاه های نفت بر روی مردم دنیا، مبارزه با صنعتی شدن کشور، بازگشت به زندگی سنتی قرون وسطا، گذراندن اقلیت ها از دم شمشیر، محرومیت زنان از حقوق اجتماعی، حذف دموکراسی از برنامه حکومت و روی آوردن به خشونت و استبداد، آنچنان که دکتر اوئن و همفکرانش در شرق و غرب پنداشته اند نیست، بلکه حکومت اسلامی تلاشی سازنده و انقلابی است پویا در جهت تحقق عکس آن.

حال با توجه به آیه شریفه «جاء الحق وزهق الباطل إن الباطل كان زهوقا؛ حق آمد و باطل نابود شد؛ زیرا باطل نابود شدنی است»، همزمان با ایام دهه فجر انقلاب اسلامی ایران، حکومت طاغوت که باطل و مروج فساد، فحشا، وابستگی، ویرانی و حیف و میل کردن بیت المال بود رفت، و حکومت اسلامی که حق است آمد و جایگزین آن شد.

معرفی کتاب

رهیافت هایی بر کتاب «زهره برترین بانوی جهان»

اثر ارزشمند حضرت

آیت الله العظمی مکارم شیرازی (مدظله)



اسناد تاریخی گواه بر این واقعیت هستند که در طول تاریخ بشریت، ظلم-های زیادی نسبت به شخصیت و جایگاه زن صورت گرفته است. در این میان، با ظهور حقیقتی به نام اسلام که به منظور اتمام مکارم اخلاق به دست رسول خاتم از سوی رب العالمین ابلاغ شد، احیای شخصیت و منزلت حقه زن به عنوان یکی از مهم ترین کرامات اخلاقی صورت پذیرفت تا جایی که بانویی به عنوان الگو نه تنها برای مردم عادی؛ بلکه حجتی برای حجج معرفی گردید.

اثر ارزشمند «زهره، برترین بانوی جهان» تنها گوشه ای از ارادت مرجع عالیقدر جهان تشیع، حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (مدظله) نسبت به بزرگ بانوی اسلام، حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) می باشد.

این کتاب مجموعه ای از مباحث تاریخی و اعتقادی است که به منزلت حضرت زهره (سلام الله علیها) پرداخته و به برخی

از ظلم هایی که بر حضرتش روا داشته اند، اشاراتی دارد. موضوع کتاب بر تبیین ویژگی های شخصیتی حضرت فاطمه (سلام الله علیها)، با استناد به روایات و متون تاریخی معتبر استوار است. با این حال، بخش هایی از کتاب به شرح وقایع تلخ پس از رحلت پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) و غربت دختر گرامی آن حضرت اختصاص یافته است. نثر کتاب، همچون دیگر آثار و تألیفات پیر ارج معظم له، ساده، روان و بی تکلف است و هر خواننده ای، با هر میزان اطلاع و سواد، می تواند از آن بهره ببرد. در واقع، می توان ویژگی اصلی این کتاب را قابل استفاده بودن آن برای اقشار مختلف جامعه دانست. معظم له کتاب خود را در پنج بخش تنظیم کرده که در آن به سیر اجمالی زندگانی حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) از ولادت تا رحلت پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) پرداخته و در ضمن به گوشه هایی از فضائل و مقامات معنوی ایشان نیز اشاراتی دارد که شامل فصل های زیر است:

۱. فاطمه (سلام الله علیها) از ولادت تا بعد از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله)
۲. فضائل حضرت زهرا (سلام الله علیها)
۳. هدیه پیامبر (صلی الله علیه و آله) به فاطمه (سلام الله علیها)
۴. حماسه بزرگ
۵. دومین خطبه بانوی اسلام فاطمه زهرا (سلام الله علیها)

۱. فاطمه (سلام الله علیها) از ولادت تا بعد از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله)

مولف در بخش نخست از کتاب، به سیر اجمالی زندگانی فاطمه زهرا (سلام الله علیها) از ولادت تا رحلت پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) اشاره دارد، در این فراز از کتاب ابعاد و زوایای ولادت باشکوه فاطمه (سلام الله علیها) و آثار و برکات آن مولود خجسته با استناد به آیات و روایات مورد توجه نویسندگان دانشمند آن اثر قرار گرفته است.

هم چنین ترسیم حقایق موجود در محبت

فراوان پیامبر (صلی الله علیه و آله) نسبت به فاطمه (سلام الله علیها) با بهره گیری از منابع شیعه و اهل سنت، ضرورت احترام به شخصیت والای آن حضرت و نیز فضای منحط دختر ستیزانه عصر جاهلیت عرب (پیش از ظهور اسلام) را آشکار می سازد.

حمایت و همراهی همه جانبه حضرت زهرا (سلام الله علیها) از پدر در وقایع مختلف برهه های متعدد تاریخی و تبیین گفتمان معرفتی ازدواج حضرت زهرا (سلام الله علیها) و امیر مومنان (علیه السلام) و نیز ارائه الگوی کامل و متعالی از مولفه های پیش نیاز ازدواج در فرهنگ اسلامی از قبیل مهریه، چپستی جهیزیه حضرت فاطمه (سلام الله علیها) و چگونگی برگزاری مراسم جنس عروسی.. برگ درخشانی از سبک زندگی اسلامی را رقم زده و حقیقت اصل ازدواج در فرهنگ اسلام اصیل را به مخاطبان ارائه می دهد.

در فراز پایانی فصل اول نیز واکاوی ابعاد و زوایای طوفان-های تازه بر فاطمه زهرا (سلام الله علیها) پس از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله)، از جمله شاخصه های راهبردی این اثر به شمار می آید که در نهایت اوج مظلومیت جانکاه آن حضرت را به تصویر می کشد.

۲. فضائل حضرت زهرا (سلام الله علیها)

صاحب اثر ارزشمند «زهره برترین بانوی جهان»، در بخش دوم، به گوشه ای از فضائل حضرت زهرا (سلام الله علیها) پرداخته و چندی از مقامات معنوی ایشان را ذکر می کند، نویسنده چهل روایت از شیعه و سنی در فضائل زهرای اطهر (سلام الله علیها) نقل می کند.

«او برترین بانوی جهان بود، او بانوی بهشتی بود، او محبوب پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و پاره تن او بود، او مقرب درگاه خدا بود، رضای او رضای خدا و خشم او خشم خدا بود، او ایثار و فداکاری عجیبی داشت، مقام علمی فاطمه (سلام الله علیها)، کرامات بانوی اسلام (سلام الله

علیها)، نخستین کسی که وارد بهشت می شود اوست، نام های پرمعنی فاطمه (سلام الله علیها) همه و همه محورهای اصلی بخش دوم این اثر فاخر را تشکیل می دهد که به نوبه خود حاکی از دقت و ژرف اندیشی مؤلف در مقام شناسی حضرت زهرا(سلام الله علیها) با بهره گیری از روایات و منابع معتبر و معروف اهل سنت است.

طرح افضلیت مطلق برای فاطمه (سلام الله علیها) در مجموعه روایات مندرج در منابع اهل سنت و تبیین وضع استثنائی آن حضرت در خلق و خوی و گفتار و سخنان به عنوان یک بانوی بهشتی، و نیز درجات والای اظهار علاقه و محبت طرفینی میان پیامبر(صلی الله علیه و آله) و حضرت فاطمه(سلام الله علیها)، تحقق بخش جاذبه نیرومند میان پدر و فرزند و الگوی بی بدیل از رفتار شناسی متعالی میان والدین و فرزندان در ساحت نهاد خانواده به شمار می آید.

هم چنین مؤلف ارجمند با تبیین مقام قرب فاطمه (سلام الله علیها) در پیشگاه خداوند با استفاده از مهمترین و معروفترین احادیث اهل سنت در کنار فضایل اخلاقی، زهدگرایی، مقامات والای آن حضرت در حجاب و عفاف، در واقع الگویی جامع و کامل برای دختران و زنان جامعه اسلامی معرفی کرده است.

در ادامه، بیان مقامات علمی و کرامات بی حد و حصر آن حضرت به آنجا منتهی می شود که بنابر قول منابع معتبر اهل سنت «اول شخص یدخل الجنة فاطمه(سلام الله علیها)؛ نخستین کسی که وارد بهشت می شود فاطمه است.»

ورود در بهشت دلیل روشنی بر سعادت یک انسان به شمار می رود و اگر شخصی پیش از همه وارد آن شود برترین فضیلت برای او اثبات خواهد شد. مؤلف در قسمتی از این کتاب به روایاتی، اشاره دارد که این افتخار را از زبان پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) برای حضرت زهرا(سلام الله علیها)

ثبت کرده است.

همانگونه که حاشیه‌ی این کتاب به اسما و القاب حضرت زهرا(سلام الله علیها) مزین شده که بر قداست آن افزوده است در فرازهای پایانی بخش دوم نیز موله‌ف با تشریح نام های حضرت فاطمه (سلام الله علیها)، نامگذاری آن حضرت به وسیله حکیم علی الاطلاق یعنی خدای عالم، به منصفه ظهور رسانده است.

۳. هدیه پیامبر (صلی الله علیه و آله) به فاطمه (سلام الله علیها)

از جمله مباحثی که اثر گرانسگ «زهرا، برترین بانوی جهان» بدان پرداخته است، هدیه پیامبر به زهرای مرضیه است که نگارنده با اشاره به ماجرای فدک به تحلیل و توصیف غصب فدک همت گماشته و مظلومیت خاندان رسول خدا(صلی الله علیه و آله) را به تصویر کشیده است.

« فدک چه بوده و کجا قرار داشته است؟ عوامل سیاسی غصب فدک چه بود؟ فدک چگونه به اهل بیت بازگشت؟ سیر تاریخی این سرزمین خصوصاً در دوران امامان معصوم چگونه بود؟ و...» تنها گوشه‌ای از سوالاتی است که در این کتاب بدان پاسخ داده خواهد شد.

بدیهی است بهره گیری هدفمند از منابع معتبر اهل سنت در این زمینه مجالی باقی نمی گذارد تا خوانندگان این اثر به اعتراف علمای بزرگ اهل سنت هم چون ابن ابی الحدید معتزلی و جلال الدین سیوطی، مبنی بر هدیه فدک به حضرت زهرا(سلام الله علیها) از سوی پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) پی ببرند و اقرار علمای اهل سنت در وجود پشت پرده سیاسی و اقتصادی در غصب ناجوانمردانه فدک

از صاحبان اصلی آن یعنی حضرت علی (علیه السلام) و حضرت فاطمه(سلام الله علیها) در راستای توجیه غصب خلافت امیرمومنان علی (علیه السلام) را دریابند.

چگونگی بازگشت فدک به اهل بیت(علیه السلام) و ناگفته هایی از شبهات موجود در این مسأله بالأخص تبیین جایگاه ویژه

فدک در تحولات سیاسی آن برهه از زمان و روشنگری فدک از غصب خلافت امیر مومنان علی(علیه السلام) در سقیفه... نشان دهنده عمق استراتژیک باغ فدک در میان اهل بیت(علیهم السلام) است که به خوبی توسط مولف آن اثر فاخر به تصویر کشیده شده است.

۴. حماسه بزرگ

شاید بتوان هدف اصلی نویسنده از نگارش این کتاب را، شرح دو خطبه‌ای دانست که از حضرت فاطمه(سلام الله علیها)، منقول است. حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی(مدظله) با اشاره به خطبه تاریخی ام اییها حضرت زهرا(سلام الله علیها) در مسجد پیامبر(صلی الله علیه و آله)، مباحث آن را در هفت محور، مورد بررسی قرار داده و به تفسیر مباحث آن همت گماشته است که عبارتند از:

۱. تحلیل فشرده و عمیق پیرامون مسأله توحید و صفات پروردگار و اسماء حسنی و هدف آفرینش.

مؤلف ارجمند کتاب «زهرا برترین بانوی جهان» در تفسیر فرازهای آغازین خطبه حضرت زهرا(سلام الله علیها) به حقایق معرفتی هم چون «وجود شکر منعم در خدا شناسی و آثار آن، عجز بندگان از ادای حق شکر، نقش اخلاص در ارتقای روح توحید و فطری گرایی در آن، اعتراف به عجز در معرفت واقعی نسبت به ذات و صفات خداوند، خلقت آفرینش بعد از عدم محض و ابداع گری از سوی خداوند بدون هیچ طرح و الگوی قبلی، بی نیازی مطلق خداوند و ترسیم اهداف چند گانه آفرینش در خطبه حضرت زهرا اشاره دارد.

۲. مقام والای پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، مسئولیت ها، ویژگی ها و اهداف آن حضرت.

معظم له با استناد به خطبه حضرت زهرا (سلام الله علیها)، افتخارات و مواهب پیامبران و امامان را بخشی ذاتی و بخشی اکتسابی بر می شمرد که تکمیل اوامر الهی و مسأله خاتمیت پیامبر و تکمیل مواهب

تکوینی از طریق تشریح و احکام الهی را موجب شده است.

تبیین وضع رقت بار امت ها قبل از بعثت علیرغم وجود مسأله توحید فطری و جهل زدایی از سوی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و در نهایت مرگ پرافتخار از جمله محورهای خطبه حضرت فاطمه(سلام الله علیها) است که از نگاه ژرف اندیشانه نویسنده آن اثر فاخر دور نمانده است.

۳. اهمیت قرآن مجید و لزوم تعمیق در تعلیمات اسلام، فلسفه و اسرار احکام، و پند و اندرزهایی در این مسأله.

مؤلف در تفسیر فراز سوم از کلام حضرت زهرا(سلام الله علیها) ، به مسائلی از قبیل مسئولیت سنگین مسلمانان در ابلاغ رسالت اسلام به سراسر جهان، جهل زدایی قرآن ناطق، لزوم تعمق در فلسفه و اسرار احکام و عبادات و در نهایت دعوت به تقوا اشاره کرده است.

۴. فاطمه زهرا و معرفی خویش، باز خوانی خدمات رسول الله(صلی الله علیه و آله) به امت، یادآوری گذشته تاریخ و سراسر جاهلی اعراب (پیش از ظهور اسلام)، ضرورت پذیرش پند و اندرز از وقایع و دگرگونی ها.

معظم له با توجه به بخش چهارم خطبه به محورهایی هم چون « فاطمه زهرا و معرفی خویش، دلسوزی فوق العاده پیامبر(صلی الله علیه و آله) نسبت به امت اسلامی، تبیین زحمات طاقت فرسای آن حضرت در ابلاغ رسالت، یادآوری حضرت فاطمه(سلام الله علیها) نسبت به گذشته تاریخ و سراسر جاهلی اعراب (پیش از ظهور اسلام)، و تأکید بر خدمات علی (علیه السلام)» اشاره می کند.

۵. باز شناسی حوادث و رویدادهای بعد از رحلت پیامبر(صلی الله علیه و آله) ، افشای حرکت حزب منافقین برای نابودی اسلام.

در بخش پنجم خطبه می توان تفسیر حرکت های مشکوک و خطوط انحرافی

و تبیین گروه های منحرف و شیطانی و هشدار آن حضرت مبنی بر اجتناب از افتراق از قرآن کریم، و بانگ رسای آن حضرت در هشدار به اصحاب و یاران پیامبر(صلی الله علیه و آله) را در افق فکری و معنایی نگارنده مشاهده نمود.

۶. خطابه آن حضرت در موضوع غصب فدک و روشنگری از بهانه های واهی غاصبین فدک و پاسخ آن حضرت به توهमत و بهانه ها در این مسأله.

نویسنده در بخش ششم از خطبه، «زنده کردن آئین جاهلی، پاسخ دندان شکن آن حضرت به مدعیان عدم واگذاری ارث توسط پیامبران، راهکارهای بی بدیل حضرت زهرا(سلام الله علیها) در مقابله با بهانه جویی های غاصبان فدک و تأکید مجدد آن حضرت بر آشنایی کامل اهل بیت وحی به ویژه حضرت علی (علیه السلام) به قران و تفسیر قرآن» را مورد توجه قرار می دهد.

۷. اتمام حجت حضرت زهرا(سلام الله علیها) با گروه انصار و اصحاب راستین ...، پایان گفتار با تهدید به عذاب الهی .

«هشدار به غاصبان فدک مبنی بر عذاب و کیفر الهی، نقش موثر انصار در پیشرفت اهداف اسلامی، فاطمه(سلام الله علیها) انصار را زیر رگبار حملات قرار می دهد، با رحلت پیامبر اسلام نمی میرد، چرا در برابر پایمال شدن احکام اسلام خاموش نشسته اید؟، غلبه روح عافیت طلبی، با این روحیه می دانم از شما کاری ساخته نیست!، در انتظار حوادث دردناک باشید، او انذار کرد، و من هم انذار می کنم» ساختار کلی بخش انتهایی خطبه آن حضرت را تشکیل می دهد که به خوبی در تفسیر معظم له مورد اشاره قرار گرفته است.

۵. دومین خطبه بانوی اسلام فاطمه زهرا (سلام الله علیها)

گفتنی است حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی(مدظله) در بخش پایانی کتاب، به شرح دومین خطبه حضرت که در میان زنان مدینه ایراد نموده-اند، اشاره

داشته تا بخشی از مظلومیت حضرتش را بر همگان نمایان سازد.

معظم له با واکاوی دقیق و تحلیلی از خطبه حضرت زهرا(سلام الله علیها) در برابر زنان مدینه، به خوبی توانسته است تشنگان به معارف و آموزه های فاطمی را سیراب نموده و با بررسی سندی خطبه بانوی اسلام بر حقانیت بی بدیل آن خطبه و اعتبار و ارزش کتاب «زهرا برترین بانوی جهان» بیفزاید.

بی تردید نگارش شرح های کوتاه پس از هر فراز از خطبه، خود عامل کلیدی در شناخت روز افزون از افق معنایی خطبه حضرت زهرا (سلام الله علیها) در میان خوانندگان آن اثر ذی قیمت پدید آورده است.

«لزوم بصیرت در برابر حوادث و وقایع و تلاش برای پیروزی در امتحان الهی، معیارها و ارزش های الهی در جامعه اسلامی، ترجیح مرجوح بر راجح!، ثمره شوم انتخاب نادرست و پاسخ های تلخ و دردناک» از جمله عناوین کلیدی فصل پایانی این اثر فاخر به شمار می آید.

در خاتمه باید گفت تألیف این اثر نفیس توسط حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی، در یک جلد و در ۲۴۷ صفحه، در قطع رقعی توسط انتشارات امام علی بن ابی طالب علیه السلام به زیور طبع آراسته شده و در سال ۱۳۷۶ برای اولین بار منتشر شده و تا کنون نیز چندین مرتبه تجدید چاپ شده است، این کتاب به زبان عربی نیز چاپ و منتشر شده است.

کنگره بین المللی

«نقش شیعه در پیدایش و گسترش علوم اسلامی»



کنگره بین المللی نقش شیعه در پیدایش و گسترش علوم اسلامی

محورهای کنگره نقش شیعیان در پیدایش و گسترش علوم اسلامی

الف: اهل بیت (علیهم السلام)

- ۱- مرجعیت علمی اهل بیت (علیهم السلام)
- ۲- نقش اهل بیت (علیهم السلام) در پیدایش و گسترش علوم شیعه

ب: شیعه

۱- نقش دانشمندان شیعه در پیدایش علوم

۲- نقش دانشمندان شیعه در گسترش علوم

۳- نقش دانشمندان شیعه در شکوفایی تمدن اسلامی

۴- تعامل علمی دانشمندان شیعه با مذاهب اسلامی و ادیان

ج: نقد و احیای آثار

۱- احیای آثار در مورد نقش اهل بیت (علیهم السلام) و شیعه در علوم

۲- نقد آثار مستشرقان در مورد نقش شیعه در علوم

۳- نقد آثار مورخان مسلمان در مورد نقش شیعه در علوم

اهداف کنگره بین المللی نقش شیعه در پیدایش و گسترش علوم اسلامی
تبیین نقش علمای شیعه در گسترش علوم اسلامی
اهداف کنگره

- ۱- اثبات مرجعیت علمی اهل بیت (علیه السلام) در جهان اسلام
- ۲- تبیین نقش اهل بیت (علیه السلام) و پیروان آنها در پیدایش و گسترش علوم
- ۳- تبیین نقش دانشمندان شیعه در پیدایش و گسترش علوم
- ۴- تبیین نقش علمای شیعه در شکوفایی تمدن اسلامی
- ساختار سازمانی کنگره
- ساختار سازمانی کنگره

- ۱- مشرف عالی (حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی - دامت برکاته))
- ۲- شورای سیاست‌گذاری
- ۳- شورای علمی
- ۴- شورای راهبردی
- ۵- دبیر علمی حجت الاسلام و المسلمین دکتر رضایی اصفهانی
- ۶- معاون پژوهشی حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمودی
- ۷- معاونت اجرایی حجت الاسلام و المسلمین موسوی نسب
- ۸- مسئول بین الملل کنگره حجت الاسلام و المسلمین خوش خو
- ۹- دبیرخانه

امتیازات کنگره

امتیازات کنگره برای مقالات پذیرفته شده

۱- چاپ مقالات پذیرفته شده در کنگره به صورت علمی - پژوهشی .

۲- چاپ مقالات پذیرفته شده در کنگره به صورت ISC .

۳- چاپ مقالات پذیرفته شده در مجموعه مقالات کنگره.

۴- صدور گواهی علمی پژوهشی و ISC برای محققانی که مقاله آنها مورد پذیرش واقع شده است.

تقویم و زمان بندی

تقویم و زمان بندی کنگره نقش شیعه در علوم اسلامی

زمان برگزاری کنگره: اردیبهشت ۱۳۹۷
مهلت ارسال چکیده مقالات: حداکثر تا ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۶
مهلت ارسال اصل مقالات: حداکثر تا اول شهریور ۱۳۹۶

همکاران علمی

۱. پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
۲. مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی
۳. جامعه المصطفی العالمیه
۴. دارالاعلام مدرسه اهل بیت
۵. مرکز مدیریت حوزه های علمیه خاوران
۶. پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
۷. مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام)
۸. شیعه شناسی
۹. دانشگاه تهران
۱۰. دانشکده قرآن و علوم حدیث
۱۱. مرکز تخصصی شیعه شناسی
۱۲. مرکز تخصصی تفسیر و علوم قرآن
۱۳. سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی
۱۴. مرکز مدیریت حوزه های علمیه
۱۵. وزارت امور خارجه
۱۶. صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران
۱۷. دانشکده اهل بیت (علیهم السلام)
۱۸. دانشگاه علوم اسلامی رضوی
۱۹. حوزه علمیه خاوران قم
۲۰. موسسه شیعه شناسی
۲۱. کتاب شناسی شیعه
۲۲. اتحادیه رادیو و تلویزیون های اسلامی
۲۳. مدرسه الامام امیر المومنین (علیه السلام)

تماس با ما

جهت برقراری تماس با دبیر خانه کنگره نقش شیعه در گسترش علوم اسلامی می توانید به یکی از روش های زیر اقدام نمایید.

آدرس دبیرخانه: قم، جمکران، ابتدای بلوار انتظار، مجتمع علمی دارالولاية، ساختمان مؤسسه دارالاعلام لمدرسة اهل البيت

علیهم السلام طبقه اول

تلفن: ۰۲۵-۰۳۷۲۵۵۸۵۳-۵۵

فکس: ۰۲۵-۳۷۲۵۵۸۶۹

صندوق پستی: ۱۴۳۹-۳۷۱۹۵



تصویری از مصائب حضرت زهرا (سلام الله علیها)

پرسش: چه مصائبی بر حضرت زهر(سلام الله علیها) پس از پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) وارد شد؟

پاسخ اجمالی: با رحلت پیامبر(صلی الله علیه و آله) کینه های بدر، خیبر و حنین که در عصر پیامبر(صلی الله علیه و آله) زیر خاکستر پنهان بود آشکار گشت. احزاب منافقین به جنب و جوش افتادند تا هم از اسلام انتقام بگیرند و هم از خاندان پیامبر (صلی الله علیه و آله). فاطمه زهر(سلام الله علیها) در مرکز دایره ای بود که تیرهای زهرآگین دشمنان از هر سو به سمت آن پرتاب می شد. فراق و جدایی دردناک پدر، مظلومیت جانکاه همسرش علی(علیه السلام)، توطئه های دشمنان بر ضد اسلام و نگرانی از آینده مسلمین و حفظ میراث قرآن، دست به دست هم داده، قلب و روح پاکش را سخت می فشرد.

پاسخ تفصیلی: دوران شیرین زندگانی بانوی اسلامفاطمه زهرا(علیها السلام) با رحلت پیامبر(صلی الله علیه و آله) به سرعت سپری شد، هر چند به یک معنا در سراسر زندگی او، دوران شیرینی وجود نداشت، چرا که پیوسته فشارها و جنگ ها و توطئه های دشمنان بر ضد اسلامو پیامبر آرامش روح فاطمه (علیها السلام) را بر هم می زد.

با رحلت پیامبر(صلی الله علیه و آله) طوفان های تازہ ای از حوادث پیچیده و بحرانی وزیدن گرفت.

حقدها و کینه های بدر، خیبر و حنین که در عصر پیامبر(صلی الله علیه و آله) در زیر خاکستر پنهان بود آشکار گشت.

احزاب منافقین به جنب و جوش افتادند تا هم از اسلامانتقام بگیرند، و هم از خاندان پیامبر(صلی الله علیه و آله).

و فاطمه زهرا(علیها السلام) در مرکز این

دایره بود که تیرهای زهرآگین دشمنان از هر سو به سوی آن پرتاب می شد.

فراق و جدایی دردناک پدر از یکسو.

مظلومیت غم انگیز و جانکاه همسرش امیرمومنان علی(علیه السلام) از سوی دیگر.

توطئه های دشمنان بر ضد اسلام از دیگر سو.

و نگرانی فاطمه از آینده مسلمین و حفظ میراث قرآن، دست به دست هم داده، قلب و روح پاکش را سخت می فشردند.

در اینجا به چند سند تاریخی اشاره می شود:

۱- فاطمه(علیها السلام) نمی خواهد با بیان غم های خود روح پاک امیرمومنان علی(علیه السلام) را که سخت از آن اوضاع ناگوار و خلاف کاری های امت ضربه دیده، آزردہ تر سازد.

به همین دلیل به کنار قبر پیامبر(صلی الله علیه و آله) می رفت و با او درد دل می کرد. و سخنان جانسوزی همچون اخگر آتش که اعماق وجود انسان را می سوزاند، بر زبان می آورد.

«يا أَبَتَاهُ بَقِيَتْ وَالْهَيَّةُ وَ حَيْرَانَةٌ فَرِيدَةٌ، قَدْ انْخَمَدَ صَوْتِي وَ انْقَطَعَ ظَهْرِي وَ تَنَعَّصَ عَيْشِي»؛

(۱) (پدر جان! بعد از تو، یکه و تنها شدم، حیران و محروم مانده ام، صدایم به خاموشی گرایید، و پشتم شکست، و آب گوارای زندگی در کامم تلخ شد).

۲- گاه می گفت:

«مَازَا عَلَيَّ مِنْ شَمِّ تَرْبَةِ أَحْمَدَ أَلَّا يَشُمَّ مَدَى الزَّمَانِ عَوَالِيَا صَبَّتْ عَلَيَّ مَصَائِبٌ لَوْ أَنَّهَا صَبَّتْ عَلَيَّ الْآيَامِ صِرْنَ لِيَالِيَا» (۲)؛ (کسی که خاک پاک پیامبر(صلی الله علیه و آله) را بیوید سزاوار است تا پایان عمر هیچ عطری را نبوید.

بعد از تو ای پدر آن قدر مصائب بر من فرو ریخت که اگر بر روزهای روشن می ریخت

به صورت شب های تیره و تار در می آمد.) ۳- امّ سلمه می گوید: هنگامی که بعد از وفات پیامبر(صلی الله علیه و آله) به دیدن بانوی اسلامفاطمه(علیها السلام) رفتم و جویای حال او شدم، در پاسخ این جمله های پر معنا را بیان کرد:

«أَصْبَحْتُ بَيْنَ كَمَدٍ وَ كَرْبٍ، فَقَدِ النَّبِيَّ(صلی الله علیه و آله) وَ ظَلَمَ الْوَصِيَّ، هُنَيْكَ وَاللَّهِ حِجَابُهُ...، وَ لَكِنَّهَا أَحْقَاذُ بَدْرِيَّةٍ، وَ تَرَاتُّ أُحْدِيَّةٍ، كَانَتْ عَلَيَّهَا قُلُوبُ النَّفَاقِ مُكْتَمَنَةً»(۳).

؛ (از حالم چه می پرسی ای امّ سلمه، من در میان اندوه و رنج بسیار بسر می برم، از یکسو پدرم پیامبر(صلی الله علیه و آله) را از دست داده ام، و از سوی دیگر [با چشم خود می بینم که] به جانشینش [علی بن ابی طالب] ستم شده است، به خداسوگند که پرده حرمتش را دریدند...، ولی من می دانم اینها کینه های بدر، و انتقام های اُحد است، که در قلوب منافقان پنهان و پوشیده بود).

ع- «ما زَالَتْ بَعْدَ أَبِيهَا مُعَصَّبَةَ الرَّأْسِ، بَاكِيَةً الْعَيْنِ، مُخْتَرِقَةَ الْقَلْبِ»(۴)؛ (بعد از رحلت پیامبر پیوسته شال عزا به سر بسته بود، چشمانی گریان و قلبی سوزان داشت). (۵)

پشت در قرار گرفتن فاطمه زهرا (سلام الله علیها) با وجود علی (علیه السلام)

پرسش: چرا با اینکه علی(علیه السلام) در خانه بود، هنگام یورش، فاطمه زهرا(سلام الله علیها) پشت در رفت؟

پاسخ اجمالی: اهل سنت می خواهند با این شبیه نقصی را برای علی(علیه السلام) بتراشند و دامان عمر را از این جسارت پاک و اصل قضیه را تکذیب کنند. اولاً: آلوسی می نویسد: عمر شمشیرش را به پهلوی فاطمه و تازیانه را بر بازوی او زد. ناگهان علی(علیه السلام) گریبان عمر را گرفت و بر زمین زد و بر بینی و گردنش کوبید. ثانیاً: شاید آمدن حضرت زهر(سلام الله علیها) برای این باشد، تا مهاجمان از او شرم کنند، که چنین نشد. ثالثاً: بسیاری

از علمای اهل سنت اصل ماجرای هتاکی و هجوم را آورده اند، وقتی اصل ماجرا ثابت شد اینگونه سؤال ها دامان کسی را پاک نخواهد کرد.

پاسخ تفصیلی: باید گفت در واقع اهل سنتمی خواهند با این شبهه دو کار را به نفع خودشان تمام کنند؛

اول: ضعف و نقصی را برای امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) بتراشند که چرا علی(علیه السلام) ناموس داری نکرد و یک زن را پشت در فرستاد و خودش نرفت. دوم: دامان عمر را از این جسارت پاک کنند و با این فرا فکنی ها، وانمود کنند که اصلااین قضیه کذب است و دور از شان عمر است.

در مورد هدف اول باید گفت:

اولاً: آنها می گویند که حضرت علی موظف بود از همه مظلومان دفاع کند، مخصوصاً از ناموس خودش دفاع نماید، چرا که همسر، خط قرمز هر شخصی به حساب می آید، بی عرضه ترین آدمها جاییکه زن و بچه خود را در خطر ببینند از فدا نمودن خود دریغ نمی نمایند، حال چطور ممکن است که علی(علیه السلام) از همسر خودش آن هم دختر پیامبر دفاع نکرده باشد. این بی غیرتی را به کسی نسبت می دهند که لقب

«اسد الله الغالب» «شیر پیروزمند خدا» به او نسبت داده شده، چون حضرت علی در هیچ کجا مغلوب کسی نشده است. و این در حالی است که «آلوسی» مفسر معروف اهل سنتدر «روح المعانی» می نویسد: «... غضب عمر واضرم النار بباب علیّ و احرقه و دخل فاستقبلته فاطمه و صاحت يا ابتاه و يا رسول الله، فرفع عمر السيف و هو فی غمده فوجا به جنبها المبارک و رفع السوط فضرب به ضرعها فصاحت يا ابتاه فاخذ علیّ بتلابيب عمر وهرّه و وجا انفه و رقبته»؛ (عمر عصبانی شد و درب خانه علی را به آتش کشید و داخل خانه شد، فاطمه سلام الله علیها به طرف عمر آمد و فریاد زد: «یا ابتاه، یا رسول الله!» عمر شمشیرش را که در غلاف بود بلند کرد

و به پهلوی فاطمه زد، تازیانه را بلند کرد و بر بازوی فاطمه زد، فریاد زد: « یا ابتاه - » با مشاهده این ماجرا - علی (علیه السلام) ناگهان از جا برخاست و گریبان عمر را گرفت و او را به شدت کشید و بر زمین زد و بر بینی و گردنش کوبید). نقل این قضیه توسط آلوسی به هر نیتی که باشد ، نشانگر این است که علی (علیه السلام) واکنش تندی در دفاع از دختر پیامبر(صلی الله علیه و آله) از خودشان نشان داده است.(۶)

ثانیاً: همان طور که اهل سنت علم غیبرا فقط مخصوص خداوند می دانند ما نیز می گوئیم علم غیب نمی دانیم و نمی دانیم چرا حضرت زهرا(علیها السلام) پشت در آمدند. ولی می توان به این نکته اشاره نمود که شاید آمدن حضرت زهرا(علیها السلام) برای این باشد، تا مهاجمان از تنها یادگار پیامبر(صلی الله علیه و آله) شرم کرده و جسارت نکنند، لکن نه تنها این حضور حضرت، مانع از شرم و حیای آنها نشد بلکه جسارتی کردند که امروزه برای بسیاری از علمای اهل سنت هم این سوال مطرح است که چرا این جسارت با دختر پیامبر(صلی الله علیه و آله)، آن هم از ناحیه کسانی که خود را خلیفه خواندند صورت گرفته است.

در مورد هدف دوم، می گوئیم:

وقتی اصل ماجرای یورش ثابت شده است، دیگر این سوال که چرا به جای این، آن نیامد؛ دامان کسی را پاک نخواهد کرد، چرا که عدهزیادی از علمای اهل سنتاعم از مورخین و محدثین و مفسرین در کتب شان اصلقضیه ی هتاکی و ماجرای هجوم را آورده اند که در اینجا به نقل برخی از آنها اشاره می کنیم:

محمد بن جریر طبری (متوفای ۳۱۰)، فقیه و تاریخ نگار برجسته اهل سنتدر تاریخ خود رویداد فجیع هتک حرمت به خانه وحی را چنین بیان می کند: «اتى عُمرُ بنُ الحَطَّابِ مَنْزِلَ عَلِيٍّ وَ فِيهِ طَلْحَةُ وَ الزُّبَيْرُ وَ رِجَالٌ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ، فَقَالَ وَ اللَّهِ لَأُحْرِقَنَّ

عَلَيْكُمْ أَوْ لَتُخْرَجُنَّ إِلَى الْبَيْعَةِ، فَخَرَجَ عَلَيْهِ الزُّبَيْرُ مُصْلِتًا بِالسَّيْفِ فَعَتَرَ فَسَقَطَ السَّيْفُ مِنْ يَدِهِ، فَوَثَبُوا عَلَيْهِ فَاحْذَوْهُ»؛(۷)

(عمر بن خطاب به در خانه علی آمد، در حالی که گروهی از مهاجران در آنجا گرد آمده بودند. عمر رو به آنان کرد و گفت: به خداسوگند، خانه را به آتش می کشم مگر این که برابیعتبیرون بیابید. زبیراز خانه بیرون آمد در حالی که شمشیری بر دست داشت، ناگهان پای او لغزید و شمشیر از دست او بر زمین افتاد. در این موقع دیگران بر او هجوم آورده و شمشیر را از دست او گرفتند).

همچنین عبدالفتاح عبدالمقصود هم در دو مورد به اصلقضیه - هجوم به خانه وحی - اشاره می کند که ما به نقل یکی از آن دو قول بسنده می کنیم او می گوید عمر- در آن ماجرای یورش - گفت:

«قسم به کسی که جان عمر در دست اوست یا باید بیرون بیاید یا خانه را بر ساکنانش آتش می زرم عده ای که از خدامی ترسیدند و از پیامبر (صلی الله علیه و آله) شرم داشتند و - رعایت حال اهل بیتاو را می کردند-. گفتند: ای اباحفص، فاطمه در این خانه است. عمر بی پروا فریاد زد: باشد!... نزدیک شد، در زد، سپس بر در کوبید و وارد خانه شد... علی علیه السلام پیدا شد ... طنین صدای زهرا در نزدیکی مدخل خانه بلند شد»(۸).

و نیز در کتاب اثبات الوصیه آمده است: عمر همراه عدهای به در خانه فاطمه (علیها السلام) رفتند. آن ها با خود هیزم بسیاری بر در خانه فاطمه (علیها السلام) بردند. بنی هاشم از جملهعباسعموی پیغمبر و علی علیهم السلام و زبیردر آنجا بودند. عمر گفت: بیرون آیید و با خلیفه، ابوبکر بیعتکنید و گرنه شما را می سوزانم.

عمر به فاطمه (علیها السلام) گفت: هر که در خانه است را بیرون کن. زبیرشمشیر کشید و عمر گفت: این سگ را بگیرید شمشیرش را گرفتند و بر سنگ کوبیدند و شکست. بنی هاشم از بیرون آمدن امتناع

بازهای حرفه ای اند و آنهایی که در انتهای هرم هستند همچون قمارباز های ناشی.

نکته ششم: اگر دلیلی بر حرمت آن نباشد جز اینکه سبب ضرر و زیان گروه زیادی می شود کافی است و حکومت اسلامی باید جلوی آن را بگیرد.

نکته هفتم: جالب اینکه به تصدیق محققان، اداره کنندگان بازاریابی شبکه ای غالباً همان هرمی ها و گلدکوئیستی ها هستند.

نکته هشتم: متأسفانه اخیراً اطلاعات نادرستی به شورای محترم نگهبان داده اند و فتوا بر جواز گرفته اند و وزارت صنایع و معادن به آن دامن می زند به دلایلی که روشن است و مخفی نیست.

در پی مطالبات عمومی در مورد یک فرع فقهی: متن کامل بیانات معظم له در مورد بازاریابی شبکه ای

بحث درباره ی شبکه های بازاریابی یا بازاریابی شبکه ای به اتمام رسید. اکنون جمع بندی نهایی در این باره را که در ۸ نکته خلاصه و جمع بندی شده است بیان می کنیم:

نکته اول: اساس تمام بازاریابی های شبکه ای و هرمی یکی است و همه آنها روی هرم دور می زند.

همگی از خاصیت اعداد تصاعدی و اشکال هرمی استفاده می کنند، و اگر تفاوتی وجود دارد در مسائل حاشیه ای است و غیر مربوط به ماهیت آنها.

نکته دوم: مشتری های این بازار غالباً کالا را بر اساس نیاز خود خریداری نمی کنند بلکه برای این است که در صف بازاریاب ها قرار گیرند و سود های کلان ببرند؛ در واقع همه فروشنده اند نه خریدار.

نکته سوم: این بازاریابی ها هزاران هزار نیروی جوان را از کارهای تولیدی و حتی تحصیل به بیراهه می کشاند و تبدیل به یک واسطه ی حقیر مصرف گرا می کند.

نکته چهارم: منابع آماری معروف خارجی و داخلی نشان می دهد که تنها عدد کمی از آنها سود کلانی می برند و اکثریت قاطع که گاه تا ۹۹٪ پیش می رود محروم ها و ناکام ها هستند.

نکته پنجم: این کار قطعاً مصداق «اکل مال به باطل» است و توجیهاتی که برای آن مطرح می کنند واقعیت ندارد و شبیه توجیهات و حيله های رباخواران است.

بعضی آن را شبیه نوعی بخت آزمایی و قمار می دانند؛ ولی ما می-گوییم قمار است که چند قمارباز حرفه ای در برابر عده ی کثیری قمارباز ناشی قرار دارند.

آنهایی که در رأس هرم هستند مثل قمار

می کردند. عمر هیزم طلبید و گفت: به خدایی که جان عمر در قبضه قدرت او است یا بیرون آید، یا خانه را با هر که در آنجا است می سوزانم. مردم گفتند: یا اباحفص!- کنیه عمر اباحفص بود- فاطمه (علیها السلام) در این خانه است. عمر در پاسخ گفت: هر کس در آنجا باشد می سوزانم ... آنگاه فاطمه (علیها السلام) با صدای بلند گفت: «ای پدر و ای پیامبر خدا! بین بعد از تو از عمر و ابوبکره ما چه می رسد.» مردم با صدای شنیدن ناله و گریه فاطمه (علیها السلام) برگشتند، ولی همچنان عمر و عده دیگری در آنجا باقی ماندند.(۹)

عده زیادی از علمای اهل سنت واقعه هتک حرمت، و یورش به خانه وحی را نیز نقل کرده اند که می توان به افراد زیر اشاره نمود:

۱. ابو عبید در کتاب الاموال، ص ۱۹۵؛
۲. محمد بن سعد در کتاب الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۲۷.
۳. ابن عبد ربه در العقد الفرید، ج ۴، ص ۲۶۳؛
۴. مسعودی در مروج الذهب، ج ۲، ص ۳۰۱؛
۵. ابن عساکر در مختصر تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۳، ص ۲۲۲، چاپ دارالفکر.

پی نوشت:

- (۱). بحار الأنوار، (ط - بیروت)، ج ۴۳، ص ۱۷۵، (باب ۷ ما وقع علیها من الظلم و بکائها و حزنها و شکایتها فی مرضها إلی شهادتها و غسلها و دفنها و بیان العلة فی إخفاء دفنها صلوات الله علیها و لعنة الله علی من ظلمها ...).
- (۲). بحار الأنوار، (ط - بیروت)، ج ۷۹، ص ۱۰۶، (باب ۱۶ التعزیه و المأتم و آدابهما و أحكامها ...).
- (۳). مناقب ابن شهر آشوب، جلد ۲، صفحه ۲۲۵.
- (۴). مناقب ابن شهر آشوب، جلد ۳، صفحه ۳۶۲.
- (۵). گرد آوری از کتاب: زهرا(علیها السلام) برترین بانوی جهان، آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی، سرور، قم، ۱۳۸۸، ه.ش، ص ۴۷.
- (۶). تفسیر آلوسی، ج ۳، ص ۱۲۴.
- (۷). تاریخ طبری، ج ۲، ص ۴۴۳، چاپ بیروت.
- (۸). الإمام علی بن ابی طالب، ج ۴، ص ۲، ۲۷۴.
- (۹). دیوان محمد حافظ ابراهیم؛ ج ۱، ص ۸۲.
- (۹). اثبات الوصیه، ص ۱۴۳؛ الوافی بالوفیات، ج ۶، ص ۱۷؛ الملل والنحل، ج ۱، ص ۵۷.

راهپیمایی ۲۲ بهمن پرشکوهتر و پرشور تر از همیشه برگزار شده است، چون مردم هوشیار و بیدار هستند. اخیراً دولت جدید آمریکا علیه ایران اسلامی تهدیدها را زیاد کرده اند تا مردم عقب نشینی کنند؛ اما وقتی خروش ملت را می بینند، خواهند فهمید که تهدیدها نتیجه معکوس دارد. خداوند به این ملت باهوش بیدار توفیق بیشتر دهد.

